

بزرگِ فقیهان

یادنامه اربعین ارتحال شیخ العلماء اصفهان
حضرت آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی رحمته

محمد علی نجفی

فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: زندگینامه خودنوشت	۹
فصل دوم: ترجمه شیخ العلماء إصفهان	۱۳
فصل سوم: زندگینامه مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی قزوینی	۲۳
فصل چهارم: برخی از شاگردان و مجازین	۳۱
فصل پنجم: مصاحبه با حضرت آیه الله بهشتی قزوینی	۳۹
فصل ششم: مقالات	۵۶
۱- فوائد، حکایات و نکاتی چند از زبان استاد آیه الله بهشتی قزوینی	۵۶
۲- فقیه بهشتی	۶۴
۳- مدرّس بزرگ	۶۹
۴- مقاله آیه الله بهشتی	۷۲
فصل هفتم: اجازات آیه الله بهشتی	۷۸
فصل هشتم: برخی از اجازات صادر شده توسط آیه الله بهشتی	۸۲
فصل نهم: برخی از پیام های تسلیت	۸۷
فصل دهم: در آیین تصویر	۱۰۳

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾

(سوره مجادله، آیه ۱۱)

«خدا مؤمنان از شما را به درجه‌ای و دانشمندان را به درجاتی [عظیم و بالارزش] بلند گرداند».

الکلینی، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير،
ومحمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير،
عن سيف بن عميرة، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:
عالم ينتفع بعلمه أفضل من سبعين ألف عابد.
الرواية صحيحة الإسناد.

[الكافي، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸؛ موسوعة أحاديث أهل البيت (عليه السلام)، ج ۷، ص ۲۶۴، ح ۳]

امام باقر (عليه السلام) فرمودند: عالمی که مردم به دانش او بهره‌مند
گردند برتر از هفتاد هزار عابد است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وآله الطيبين الطاهرين. لا سيما ببقية الله في الأرضين رُوحِي وأرواح العالمين له الفداء واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

و اقا بعد، شيخ الفقهاء و المجتهدين آية الله حاج شيخ مجتبی بهشتی قدس شیخ العلمای اصفهان بلکه شیخ العلمای شیعه در عصر روز غدیر خم ۱۴۳۹ هـ ق ندای ارجعی را لبیک و به دیار باقی شتافت.

از طرف برخی دوستان امر مولوی صادر گردید که به جهت مراسم چهلمین روز درگذشت این مرد بزرگ یادنامه‌ای از طرف حوزه علمیه اصفهان به پاس ۴۷ سال تدریس در این حوزه علمیه، منتشر گردد و قرعه‌ی فال به نام اینجانب زده شد.

لذا با ضیق وقت و قلت بضاعت مزجات مشغول به کار شدم و دفتر حاضر با نام **بزرگ فقیهان** در چند فصل آماده کردم و به خدمت عزیزان تقدیم می‌کنم.

فصل اول: شرح حال خودنوشت ایشان به همراه تصویر خطشان.

فصل دوم: شرح حالی که حضرت آیه الله والد دام ظلّه به زبان عربی در کتاب *طریق الوصول إلى أخبار آل الرسول* (علیه السلام) به چاپ رساندند و تأیید آیه الله بهشتی به خط مبارکشان در آخر آن آمده است، با اصلاحات و اضافات، و این شرح حال مفصل‌ترین شرح حال آن مرحوم است.

فصل سوّم: زندگینامه آن مرحوم به زبان فارسی به قلم شاگردشان حجة الاسلام آقای سید محمدرضا شفتی دامت برکاته.

فصل چهارم: اسامی برخی از شاگردان و مجازین از آن مرحوم.
فصل پنجم: مصاحبه‌ای که توسط حضرت آیه‌الله والد دامت برکاته در ماه شعبان سال ۱۴۳۸ ق برابر با اردیبهشت ۱۳۹۶ ش، با ایشان انجام شده و توسط مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان فیلمبرداری شده است.

فصل ششم: مقالات

شامل ۴ مقاله به ترتیب ذیل است:

۱- فوائد، حکایات و نکاتی چند از زبان حضرت آیه‌الله بهشتی قدس سره به قلم حجة الاسلام سید محمدرضا شفتی دامت برکاته.

۲- فقیه بهشتی به قلم حجة الاسلام دکتر حاج شیخ حسین حلبیان دامت برکاته.

۳- مدرّس بزرگ به قلم حجة الاسلام حاج شیخ محمدحسن ایزدپناه دامت برکاته.

۴- مقاله‌ای از آیه‌الله بهشتی قدس سره

فصل هفتم: اجازات آیه‌الله بهشتی قدس سره

فصل هشتم: برخی از اجازات صادر شده توسط آیه‌الله بهشتی قدس سره

فصل نهم: برخی از پیام‌های تسلیت

فصل دهم: در آئینه تصویر

﴿تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ﴾^۱.

در پایان شایسته است نام کتاب‌هایی که شرح حال آیه‌الله

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۶.

بهشتی رحمته الله در آنها به استقلال ذکر شده است را یاد کنم:

- ۱- *درة الصدف فیمن تلمذ من علماء اصفهان بالنجف*، ج ۱، ص ۳۹۰ در ده خط، چاپ مجمع الذخائر الاسلامیة، قم مقدس، ۱۳۹۳ش، که اجازات آن مرحوم را از این کتاب برگرفتیم.
 - ۲- *طریق الوصول إلى أخبار آل الرسول علیهم السلام*، ص ۴۱۴-۴۰۶، چاپ دارالتفسیر، ۱۳۹۵ش، قم مقدس.
 - ۳- *موسوعة أعلام المدن والبلدان الذین درسوا فی النجف الأشرف علماء إصفهان الذین درسوا فی النجف الأشرف*، ج ۱، ص ۱۸۶ در ده خط، إعداد و نشر: مرکز النجف الأشرف للتألیف والتوثیق والنشر، ۱۴۳۷ق.
 - ۴- *مشاهیر خاندان صدر*، ج ۱۸، ص ۱۳۹ در یک صفحه از آقای دکتر محسن کمالیان، نشر راز نی، پاییز ۱۳۹۶ش.
 - ۵- *مجله آینه پژوهش*، سال بیست و نهم، شماره سوم، مرداد و شهریور ۱۳۹۷، عدد ۱۷۱، ص ۱۵۷، در یک صفحه و نیم به قلم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ناصرالدین انصاری قمی دامت برکاته.
- بر ذمه من است که از همه عزیزانی که در نگارش و تهیه و آماده سازی و چاپ این اثر مرا همراهی کردند. خصوصاً حاج حسن آقا مظاهری دامت برکاته ریاست دفتر مرجع عالیقدر آیه الله العظمی مظاهری دامت برکاته رئیس حوزه علمیه اصفهان صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.

۲۰ محرم الحرام ۱۴۴۰

اصفهان - محمدعلی نجفی



فصل اوّل: زندگینامه خودنوشت

تاریخ تحریر ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۱۴ هـ. ق

بسم الله تعالى وله الحمد

نظر به پاسخ دادن خواهش بعضی از برادران روحانی ترجمه ذیل
تقدیم می‌شود:

نام: مجتبی

شهرت: بهشتی

متولد و مقیم: در حوزه علمیّه و بلدۀ مقدسه نجف اشرف
سال تولد: دقیقاً نمی‌توانم معین کنم ولی شاید در ماه جمادی
الثانیه ۱۳۵۰ قمری باشد.

پدر اینجانب مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای میرزا
محمدعلی اصفهانی که از علماء نجف اشرف و مدفون در صحن
مطهر علوی می‌باشند.

دروس مقدماتی این ناقابل نزد مرحوم پدرم و مقدار زیادی از
سطوح عالیّه را نزد آیة الله حاج میرزا هاشم آملی رحمته و آیة الله حاج
میرزا حسن یزدی رحمته حاضر شدم و در اصول و فقه از محضر اساتید
و آیات عظام خوئی و شاهرودی و حکیم قدس اسرارهم در درس خارج
استفاده نمودم.

و فعلاً حدود بیست سال است که در مدرسه مبارکه صدر بازار
اصفهان برای جمعی از افاضل حوزه علمیّه این بلده طیبّه به تدریس
خارج فقه و اصول اشتغال دارم.

آنچه فعلاً از نوشتجات دارم دو دوره ناتمام از درس اصول مرحوم آیه‌الله العظمی خوئی رحمته و مقداری از تقریر اباحت اصولیه مرحوم آیه‌الله العظمی شاهرودی رحمته می‌باشد.

و نظر به اینکه در اواخر سال ۱۳۷۰ هـ. ق تقریباً موجبات پیش آمد که نتوانستم در حوزه مقدسه نجف اشرف ادامه تحصیل بدهم حدود پنج سال در زمان زعامت آیه‌الله العظمی بروجردی رحمته از نجف اشرف مهاجرت به ایران نموده و در حوزه مقدسه قم ادامه تحصیل دادم و از محضر اساتید و آیات عظام آقای بروجردی و آقای حجت قدس سرهما استفاده نمودم که تقریرات درس‌هایشان موجود است و از تقریرات، درس /سفار/ مرحوم آیه‌الله طباطبائی را هم نوشته‌ام و سطح منطق منظومه مرحوم سبزواری رحمته را در نجف اشرف تحصیل نموده کما اینکه مقداری از مباحث حکمت آن کتاب را نزد مرحوم استاد آیه‌الله شیخ صدرا بادکوبی - رحمه الله علیه - خواندم و بعضی از نوشتجات آن موجود است، مختصری در علوم غریبه و بعضی رسائل متفرقه دیگر نوشته دارم.

از همان اوائل که به اصفهان آمدم بنا به دعوت مرحوم آیه‌الله خادمی رحمته صبح‌ها در مسجد حاج رسولیها واقع در خیابان چهارباغ پایین و ظهر و شب هم در مسجد باب الرحمه واقع در دروازه دولت اقامه جماعت می‌نمایم.

ضمناً در همان ایامی که در حوزه علمیه نجف اشرف مشغول بودم شب‌ها هم در حوزه استفتاء مرحوم آیه‌الله العظمی آقای شاهرودی شرکت کرده و نوشتجات به زبان عربی می‌نوشتیم. اجازه اجتهاد هم از ایشان برای حقیر ارسال شد.

والسلام

[مهر] مجتبی بهشتی

بسم الله تعالى وله الحمد

نظریه پاسخ دادن خواهش بعضی از بزرگان روحانی
 ترجمه ذیل تقدیم می شود تاریخ تحریر ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۱۴ هـ

نام: مجتبی - شهرت: بهشتی + متولد و مقیم در حوزه علمیه و بلدة مقدسه
 نجف اشرف، سال تولد: دقیقاً نمیتوانم معین کنم ولی شاید در ماه جمادی
 الثانیه ۱۳۵۰ قمری باشد، پدر اینجانب مرحوم حجت الاسلام والمسلمین
 آقای میرزا محمد علی اصفهانی که از علماء نجف اشرف و مدفون در محضر
 مطهر علوی می باشند + دروس مقدساتی این نا قابل زنی مرحوم پدرم
 و مقدس زبانی از سطوح عالیّه را نزد آیت الله حاج میرزا هاشم امینی
 و آیت الله حاج میرزا حسن یزدی قدس سره حاضر شدم و در اصول
 و فقه از محضر اساتید و آیات عظام خوئی و شاهروردی و حکیم
 قدس سره ارهم در درس خارج استفاده نمودم و فعلاً حدود
 بیست سال است که در مدرسه مبارکه صدر بازار اصفهان برای
 جمعی از افاضل حوزه علمیه این بلدة طیبه بتدریس خارج فقه و اصول
 اشتغال دارم

اینجا فعلاً از نوشته جات دارم دو دوره ناتمام از درس اصول مرحوم
 آیت الله العظمی خوئی قدس سره و مقدس ری از تقریرات اجازت اصولیه
 مرحوم آیت الله العظمی شاهروردی قدس سره میباشد و نظر باینکه
 در اواخر سال ۱۳۷۰ هـ ق تقریرات موجبات پیش آمد که نتوانستم در
 حوزه مقدسه نجف اشرف ادامه تحصیل بدهم حدود پنج سال
 در زمان زعامت آیت الله العظمی بروجردی قدس سره از نجف اشرف
 مهاجرت بایران نمودم و در حوزه مقدسه قم ادامه تحصیل دادم

و از محضر اساتید و آیات عظام آقای بروجردی و آقای حجت
 قدس سره هم استفادۀ نمودیم که تقریرات در سهایشان موجود
 است و از تقریرات درس اسفار مرحوم آیت الله طباطبائی هم نوشتم
 و سطح منطق منظومه مرحوم سبزواری قدس سره را در الحف اشرف
 تحصیل نموده که اینک مقدمه از مصاحبت حکمت آن کتاب را
 نزد مرحوم استاد آیت الله شیخ صدر آباد کوی رحمة الله علیه
 خواندم و بعضی از نوشتهجات آن موجود است، مختصری در علوم
 غریبه و بعضی رسائل متفرقه دیگر نوشته دارم
 از همان اوایل که باصفهان آمدیم بنالدعوت مرحوم آیت الله خادمی قدس سره
 صاحب مدرسه مسجد حاج رسولیه واقع در خیابان چهار باغ پائین و ظهر و شب هم
 در مسجد باب الرحمة واقع در کنار وانه درویش قاضی حیات مدتی
 ضمناً در همان تالیفی که در روز علمیه بنویسید مستعمل بودیم و هم در حوزۀ استفتاء مرحوم
 آیت الله العظمی آقای شاه قزوینی شرکت کردیم و نوشتهجات بسیار از آنجا
 می نوشتیم اجازه اجتهاد هم از ایشان برای حقیر ارسال شد؛ و السلام



فصل دوّم: ترجمة شيخ العلماء إصفهان
آية الله الشيخ مجتبی البهشتي رحمته الله
مستلّة من كتاب «طريق الوصول إلى أخبار آل الرسول عليه السلام»



الشيخ مجتبی البهشتي
(ح ۱۳۳۲ - ۱۴۳۹)

شيخ العلماء بمدينة إصفهان وأحد كبار علمائها وفقهائها
المعاصرين.

والده

الميرزا الشيخ محمدعلي الشریف الإصفهاني (ح ۱۳۰۰-۱۳۷۵)
ابن ميرزا عبدالرحيم وكان كاسباً في بلدة إصفهان ثم هاجر إلى
النجف الأشرف وأقام بها وتوفّي فيها.

ولد الشيخ محمدعلي في النجف الأشرف ثم انتقل إلى اصفهان في سنّ المراهقة وحضر على الآخوند الكاشاني وآقا حسن الحكيمباشي في الطب - وكان خاله - ثم عاد إلى النجف الأشرف وحضر على شيخ الشريعة الاصفهاني والشيخ محمدجواد البلاغي والكاظمين اليزدي والخراساني وكان صهرًا للسيد علي الخادمي ابن أبوجعفر بن صدرالدين الصدر الكبير، كما كان مُقسماً للشيخ كمال الدين الشريعتمدار (١٢٨٣-١٣٥٣) - المدفون مع السيد أسدالله ابن السيد محمدباقر الشفتي في باب القبلة من الصحن العلوي في مقابل مدفن الشيخ الأعظم الأنصاري - ابن آية الله الشيخ محمدتقي آقا النجفي الاصفهاني (١٢٦٢-١٣٣٢) في عطايه على الحوزة العلمية النجفية. وكان مجازاً بالإجتهد من السيد عبدالهادي الشيرازي، وكان من العلماء الكبار في النجف الأشرف. وتوفي بها سنة ١٣٧٥ ودفن في الصحن العلوي من جانب القبلة قرب مدفن الميرزا النوري.

وهو أول من صدق اجتهاد آية الله السيد حسين الخادمي الإصفهاني (١٣١٩-١٤٠٥) - أخو السيد علي السابق الذكر - في النجف الأشرف. وصورته موجودة^١.

والشيخ محمدعلي الشريف الإصفهاني مذكور في الذريعة^٢ وإحياء الدائر من القرن العاشر^٣ كما هو مذكور في تكملة طبقات أعلام الشيعة^٤ من دون الترجمة في جميعها

١. راجع فهرس مخطوطات آية الله الخادمي الاصفهاني، ص ٥٥.

٢. الذريعة، ج ٧، ص ١٩٥.

٣. إحياء الدائر في القرن العاشر، ص ١١٧.

٤. تكملة طبقات أعلام الشيعة، ص ٢٥٨، للسيد محمدعلي الروضاتي.

ولادته

ولد الشيخ مجتبی حدود سنة ١٣٣٢ - على ما يظنّ - في النجف الأشرف حينما كان والده يدرس بها.

أساتذته

اشتغل بالقراءة والكتابة عند:

- ١- الميرزا عبدالله الطهراني حضر عليه في المدرسة العظمى للآخوند الخراساني في النجف الأشرف.
- ٢- الشيخ حسين الجندقي قرأ عليه علم الصرف.
- ٣- والده الفاضل، حضر عنده المقدمات وغيرها متفرقاً. وأنهى السطوح عند:
- ٤- السيّد محمّدباقر المحلاتي قرأ عليه شطراً من القوانين.
- ٥- السيّد أحمد الإشكوري - وكان صهر صهر السيّد أبوالحسن الإصفهاني - قرأ عليه شطراً آخر من القوانين. وباحث هذين الدرسين مع السيّد محمّدرضا الميبيدي رحمته الله نزيل گرگان فعليّاً.
- ٦- الشيخ حسين الطهراني قرأ عليه فرائد الأصول وباحث هذا الدرس أيضاً مع السيّد محمّدرضا الميبيدي رحمته الله.
- ٧- الميرزا حسن اليزدي (باعثي) قرأ عليه شطراً من المكاسب والكفاية.
- ٨- السيّد مرتضى الفيروزآبادي قرأ عليه الكفاية.
- ٩- الشيخ صدرا البادكوبي، حضر عنده شرح المنظومة. وحضر في بحوث الخارج على كلّ من:
- ١٠- السيّد عبدالهادي الشيرازي في خارج الفقه بحث المكاسب المحرمة.
- ١١- السيّد محسن الطباطبائي الحكيم.

١٢- السید محمود الشاهرودي.

١٣- السید أبي القاسم الخوئي.

١٤- الميرزا هاشم الآملي، في خارج الفقه.

هجرته إلى قم

وفي حدود سنة ١٣٧٠ هاجر إلى حوزة قم المقدسة، واستفاد من بعض أعلامها كالتالي.

١٥- السید محمد الحجة الكوهكمري، في خارج الفقه بحث بيع الفضولي.

١٦- السید محمدتقي الخوانساري، في خارج الأصول.

١٧- السید حسين الطباطبائي البروجردي، في الفقه وأصوله خارجاً.

١٨- السید محمد المحقق الداماد اليزدي، في خارج الأصول وباحث هذا الدرس مع الشهيد الشيخ محمد المفتاح الهمداني رحمته الله.

١٩- الشيخ محمدعلي الأراكي، خارج الأصول.

٢٠- العلامة السید محمدحسين الطباطبائي التبريزي، شرطاً من الأسفار الأربعة في العلوم العقلية.

عودته إلى النجف الأشرف

وفي سنة ١٣٧٥ بعد وفاة والده رحمته الله عاد إلى النجف الأشرف، ولم يحضر بعد على أحد، لأنه كان مستغنياً عن الحضور وشارك في مجلس استفتاء استأذه السید محمود الشاهرودي بدعوة منه سنين متتالية إلى حين هجرته إلى إيران.

هجرته إلى موطن آبائه

وفي سنة ١٣٩٣ وبعد مضايقات حزب البعث هاجر إلى إيران واستقرّ به المقام في موطن آبائه اصفهان، وبدأ حينها تدريس الخارج

فقهاً وأصولاً، ولا يزال عطاؤه مستمراً حتى هذه السنة ١٤٣٦، حيث له حوزة تدريس في مدرسة الصدر في سوق اصفهان، ويقيم الجماعة صباحاً في مسجد حاج رسوليها الواقع في شارع چهارباغ پائين، وفي مسجد باب الرحمة الواقع في ساحة الإمام الحسين عليه السلام (دروازه دولت)، في الظهر والمغرب.

مؤلفاته

- ١- *تقريرات السيد الحجة الكوهكمري في بيع الفضولي*.
 - ٢- *تقريرات السيد البروجردي في الفقه والأصول*.
 - ٣- *شرح الأسفار (من تقريرات العلامة الطباطبائي)*.
 - ٤- *حواشي على شرح المنظومة في المنطق* (تقريباً لدرس الشيخ البادكوبي).
 - ٥- *أصول الفقه* (تقريرات درس السيد الشاهرودي).
 - ٦- *أصول الفقه* (تقريرات درس السيد الخوئي).
 - ٧- *متفرقات في العلوم العربية*.
- هذا، وله تصديق الاشتغال بالدراسة من الشيخ ضياء الدين العراقي والإجازة في الأمور الحسبية من السيد أبوالحسن الاصفهاني ونقّذه كلّ من السادة: البروجردي وجمال الدين الكلبيكاني والشاهرودي والخوئي. وقد أُجيز بالاجتهاد من قبل أستاذه السيد محمود الشاهرودي، ونال إجازة الرواية من الشيخ آغا برك الطهراني.

وفاته وتشيعه ومدفنه

في شهر الله سنة ١٤٣٩ بينما كان يمشي في حجرته سقط على الأرض وانكسر عظم أليته وتقلّ على أثر ذلك إلى المستشفى وأُجريت له عمليّة جراحية ناجحة ولكنه بقي حليف الفراش إلى أن توفّي في بيته بمدينة إصفهان عصر يوم الغدير المصادف يوم الخميس،

الثامن عشر من ذي الحجة الحرام سنة ١٤٣٩ وُغُسل صباح يوم الجمعة في بيته ثم نُقل جثمانه في عَصْرِهِ إلى مسجده «باب الرحمة» لأجل توديع الناس له وبقي هناك إلى صباح يوم السبت العشرين من ذي الحجة الحرام ثم نُقل في الساعة التاسعة صباحاً إلى مدرسة الصدر العلمية التي كان يلقي بحوثه العلمية في طوال نصف قرنٍ فيها، وصلى عليه المرجعُ آية الله الشيخ حسين المظاهري رحمته الله - وكنت في جنبه في أثناء الصلاة - وشُيِّع من المدرسة المذكورة تشييعاً مهيباً حافلاً بأهل العلم إلى مرقد العلامة المجلسي رحمته الله حيث وُورِيَ جثمانه الطاهر في جَنْبِ مرقد الشريف بَوْصِيَّةٍ منه رضوان الله تعالى عليه.

وأقيمت له مجالس فواتح متعددة، منها: مجلس الفاتحة في مسجد السيّد حجة الإسلام الشفّعي رحمته الله في يوم الأحد (٢١ ذي الحجة) من قِبَلِ أسرته. وفي يوم الإثنين (٢٢ ذي الحجة) في مَدْرَسَةِ مدرسة الصدر من قِبَلِ الحوزة العلمية الإصفهانية. وفي يوم الخميس (٢٥ ذي الحجة) في مسجد الجامع^١ وفي نفس اليوم بعد صلاة العشائين بإمامتي في حسينية عمادزاده مع وجبة عشاء عامّة. وقد أقيمت كل هذه المجالس التأبينية في مدينة إصفهان المحمية.

مراثيه

رثاه جمع من العلماء والأدباء باللغتين العربية والفارسية:

١. هذا المَرْكَبُ الإضافي صَحِيحٌ. وَأُضْلُهُ: مَسْجِدُ اليوم الجامع. ومثله في الحذف صَوْمُ أَيَّامِ البَيْضِ، وَأُضْلُهُ: صَوْمُ أَيَّامِ اللَّيَالِي البَيْضِ، وهي الثالث عشر والرابع عشر والخامس عشر من كلّ شهر.

منها: قصيدة سماحة العلامة المحقق الفذّ الأستاذ الحجة السيّد عبدالستار الحسيني دام ظلّه التي أرّخ فيها وفاته وألقاها نيابة عنه فضيلة الدكتور الشيخ حسين حليان في مجلس تأبينه في مسجد الجامع بحضور السيّد الناظم دام ظلّه حيث شارك من الحوزة العلمية بالنجف الأشرف في هذا المجلس الشريف. وهذا نصّها:

تاريخ رحيل سماحة الفقيه الكبير المَعَمَّر أستاذ الخوزات العلمية
في أصفهان المحمّية آية الله الشيخ مجتبی البهشتي رحمته
أَرْضُ جَيِّ فَقَدْتُ وَاسْفَا مَنْ لَهَا قَدْ كَانَ شَيْخاً وَأَبَا
حَيْثُ قَدْ عَمَّ الْأَسَى خُوزَاتِهَا مُذْ لَهُ النَّاعِي بِشَجْوٍ نَدْبَا
ذَلِكَ الْمُجْتَهِدُ الْفَذُّ الَّذِي بِثَمَارِ الْعِلْمِ أَثْرِي أَلْكَتُبَا
وَلَهُ التَّدْرِيسُ أَلْقَى رَحْلَهُ وَلِطَلَّابِ الْعُلُومِ أَنْتَدَبَا
وَلَكُمْ خَرَجَ مِنْ عِلَامَةٍ حَارَ فَحْراً إِذْ إِلَيْهِ أَنْتَسَبَا
هُوَ قَامُوسٌ^١ طَمَتْ أَثْبَاجُهُ بِفُرَاتٍ مَدَّةً مَا نَضَبَا
لَمْ يَزَلْ مِنْهُجُهُ مُؤْتَلِفاً بِمَصَابِيحِ سَنَاها مَا حَبَا
أَمَّ دَارَ الْأَمْنِ فِي يَوْمٍ بِهِ أَلْ مُرْتَضَى بِالنَّصِّ (مَوْلَى) نَصَبَا
فَانْعَهُ يَا مِقُولَ الصَّدْقِ فَقَدْ ذَهَبَتْ أَخْلَامُنَا أَيْدِي سَبَا
عَامُ حُزْنٍ حَلَّ أَرَّخَ: «وَبِهِ فُجِعَ الشَّرْعُ بِفَقْدِ الْمُجْتَبَى»
(١٣) (١٥٣) (٦٠١) (١٨٦) (٤٨٦)

١٤٣٩ هـ. ق

١. القاموس: من أسماء البحر، وَقَدْ سَمِيَ الْمَجْدُ الْفَيْرُوزْآبَادِي كِتَابَهُ فِي اللَّغَةِ بـ (القاموس...) تَشْبِيهاً لَهُ بِالْبَحْرِ لِاتِّسَاعِ مَوَادِّهِ اللَّغَوِيَّةِ، وَهَذِهِ التَّسْمِيَةُ هِيَ الَّتِي أُوقِعَتْ الْمُتَأَخِّرِينَ فِي الْإِسْتِثْبَاهِ: فَطَلَبُوا (القاموس) مُرَادِفاً لـ (المُعْجَم) وَالْأَمْرُ كَمَا تَرَى.

ومنها: قصیده تلمیذه حجة الإسلام السيد مصطفى الموسوي المهدوي الإصفهاني المتخلص بـ (نحوي) بالفارسية:
آیه‌الله بهشتی عالم عالی مقام
شد روان از دار فانی جانب دارالسلام
عالمی برجسته بود و عارفی فرهیخته
اهل معنی را فیوضی داد از علم الکلام
آن بهشتی رو که در علم و عمل مشهور بود
مجتبی نام شریفش بود از دّوم امام
سالیانی در حریم حضرت مولا علی
بهره‌ور گردید از تدریس آیات عظام
صحبت از تفسیر و بحث از منطق و فقه و اصول
همت وی بود در طوف حرم هر صبح و شام
نیم قرنی را که وی در اصفهان تدریس کرد
بهره‌ور گشتند از فیض وجودش خاص و عام
داشت در تدریس از نطق جواهر بار خود
از قوانین شفاعت خداوندی پیام
دعوت حق را اجابت کرد در عید غدیر
بس که بودش عطر میثاق ولایت در مشام
عاقبت از جذبه‌ی ترویج احکام آرمید
در جوار مجلسی با عزّ و اکرام تمام
بهر تاریخ وفاتش مصرعی را خواستم
چونکه حق دارد به من آن زنده‌یاد زنده نام

فصل دؤم: ترجمة العلماء إصفهان ◇ ٢١

طبع (نحوی) همزمان آورد سر در جمع و گفت:

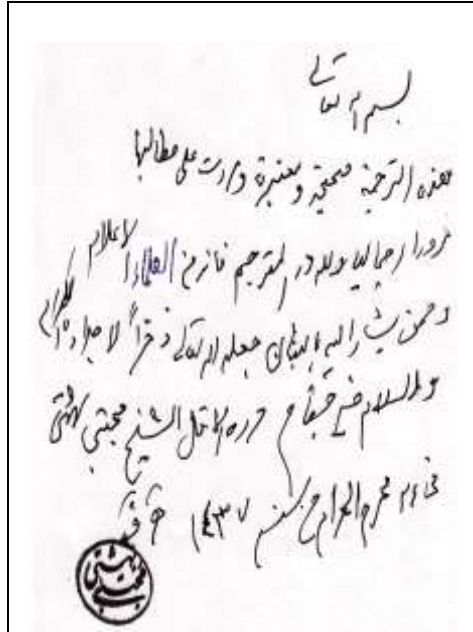
(٩)

(آية الله بهشتی زاهد والامقام)

(٤٧٧) (٧١٧) (١٧) (٢١٩)

١٤٣٩=٩+١٤٣٠ هـ. ق

وقد كتب شيخنا المترجم له بعد تصحيح هذه الترجمة مانصه:



«بسم الله تعالى

هذه الترجمة صحيحة
ومعتبرة ومررت على مطالبها
مروراً اجمالاً ولله در المترجم
فإنه من العلماء الأعلام وممن
يشار إليه بالبنان جعله الله تعالى
ذخراً لأجداده الكرام والسلام خير
ختام.

حرره الأقل الشيخ مجتبی
بهشتی فی ٢٦ محرم الحرام من
سنة ١٤٣٧ هـ ق.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على سيد الانبياء والمرسلين وعلى اوصيائه الاثني عشر المعصومين
وليعرف ان جناب الفاضل الشيخ الحاج الميرزا ابوالمكارم
والفضائل سبلالة الاعلام الماضين وعمدة العلماء الرازيين
صاحب القاموس والفتاوى التي من جليلها معلومة
الآراء الفقهية حضرتها الميرزا الشيخ عدي
التحفي الاصيلي دأ ناسدائه لعمري انه قد انى
بالله الكتاب والعلم العجيب فله توفيقه عليه
اجرة نيل الله تعالى ان يوفقه في هذا المقام
للزبد وتقدم له جزيل الشكر والتناء والرجاء منه ان
لا ينسى ما من هذا المعنى والحمد لله ختمنا
حرره في التاريخ المرقوم على الكتاب الشيخ محمد حسين



فصل سوّم: زندگینامهٔ مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مجتبی

بهشتی رضوان الله تعالى علیه

«عالمان ربّانی تا جهان باقی است، باقی و ماندگارند، جسم آنها در نقاب خاک از چشم‌ها پنهان ولی یاد و نامشان در دل‌ها موجود است»^۱.

ولادت

مجتهد خبیر و فقیه اصولی آیه‌الله حاج شیخ مجتبی بهشتی قدس سرّه القدوسی در حدود سال ۱۳۳۲ ق برابر با سال ۱۲۹۲ ش در شهر نجف اشرف چشم به جهان گشود.

پدر و مادر

پدر آیه‌الله بهشتی مرحوم آیه‌الله شیخ محمدعلی شریف نجفی اصفهانی (ح ۱۳۰۰-۱۳۷۵ ق) فرزند میرزا عبدالرحیم، از علمای اصفهان بود که در نجف اشرف متولد شد و در نوجوانی به اصفهان آمد. وی در اصفهان نزد آخوند کاشی و آقاحسن حکیم‌باشی به تحصیل پرداخت.

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷.

مرحوم حاج آقا مجتبی از پدرشان چنین نقل می‌کردند: زمانی که مرحوم آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی در درس آخوند کاشی شرکت می‌کرد، عده‌ای به استاد گفتند: آیا سید ابوالحسن استعدادی در درس نداشته و به جایی نخواهد رسید. ناگهان آخوند از سخن آنان ناراحت شده و می‌گوید: همین سید در آینده پرچم اسلام را برافراشته خواهد کرد.

میرزا محمدعلی پس از مدت کوتاهی اقامت در اصفهان، دوباره راهی نجف اشرف می‌شود و از محضر اساتید بزرگ آن زمان مثل: شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی، آخوند خراسانی و علامه محمدجواد بلاغی، کسب فیض می‌کند.

از مرحوم حاج آقا مجتبی شنیدم که می‌فرمود: پدر ما با مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی هم‌مباحثه بودند و با هم کتاب *الفصول الغرویة* تألیف مرحوم شیخ محمدحسین نجفی را می‌خواندند. سرانجام این عالم فرهیخته پس از عمری تلاش در تبلیغ دین و ارشاد مردم، در سال ۱۳۷۵ق در نجف اشرف از دنیا رحلت کرد و در جوار مولای خود امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در صحن حرم، نزدیک قبر مرحوم محدث نوری، به خاک سپرده شد.

حکایتی از پدر

روزی مرحوم آیه‌الله بهشتی در درس خارج اصول خود به مناسبت بحثی، فرمودند: زمانی با مرحوم پدرم به دیدن مرحوم شیخ محمدحسین کاشف الغطاء رفتیم. ایشان با اشاره به من به مرحوم کاشف الغطاء فرمود: «آن ولدی جعفری بالمعنیین». و منظورش این بود که: فرزند من، هم شیعه جعفری است و هم از مادر به مرحوم علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء نسب می‌رساند. و مرحوم شیخ محمدحسین از این کلام بسیار خوشش آمد.

مادر مرحوم آية الله بهشتی، دختر حجة الاسلام و المسلمين مير سيد علي خادمی، فرزند آية الله سيد ابوجعفر خادم الشريعة، فرزند آية الله العظمی سيد صدرالدين موسوی عاملی بود.

تحصيل در نجف اشرف

مرحوم آية الله بهشتی در دامن پاک و بافضيلت مادری باایمان و در زیر سایه تعلیم و تربیت پدر عالم و مجتهد خود رشد و تکامل یافت. وی دروس مقدماتی را نزد پدر و ميرزا عبدالله طهرانی و شيخ حسين جندقی فرا گرفت. کتاب شرح لمعه را در مسجد هندی (نجف اشرف) نزد مرحوم شهيد مظلوم آية الله شمس آبادی آموخت. مقدار زیادی از سطوح عالیّه و به خصوص کتاب عروة الوثقی را نزد مرحوم آية الله حاج ميرزا هاشم آملی، تلمذ کرد.

همچنین مقداری از سطوح عالیّه (مکاسب و کفایه) را نزد مرحوم آية الله حاج ميرزا حسن یزدی (باعثی) حاضر شد؛ مقداری از قوانین را از محضر آقا سيد محمدباقر محلاتی و مقداری را از آقا سيد احمد اشکوری فرا گرفت؛ و قسمتی از کفایه الاصول را نیز نزد آية الله سيد مرتضی فیروزآبادی خواند. سطح منطق منظومه را در نجف اشرف تحصيل نمود و مقداری از مباحث حکمت آن کتاب را نزد مرحوم آية الله شيخ صدرا بادکوبی خواند.

در نجف اشرف درس خارج اصول و فقه را نزد آیات عظام:

۱- سيد عبدالهادی شیرازی (خارج فقه - بحث مکاسب محرمه)

۲- سيد محسن طباطبائی حکیم

۳- سيد محمود شاهرودی

۴- سيد ابوالقاسم خویی

۵- ميرزا هاشم آملی (خارج فقه)

مهاجرت به شهر مقدس قم

مرحوم آیه‌الله بهشتی در اواخر سال ۱۳۷۰ هجری قمری پس از سال‌ها تحصیل و مجاهده علمی در نجف اشرف، به ایران مهاجرت نموده و برای ادامه تحصیل وارد شهر قم می‌شود و در حوزه مقدسه آن به تحصیل علوم دینیّه می‌پردازد.

اساتید درس ایشان در قم عبارتند از آیات عظام:

۱- سید محمدحجت کوهکمری (خارج فقه - بحث بیع فضولی)^۱

۲- سید محمدتقی خوانساری (خارج اصول)

۳- سید حسین طباطبایی بروجردی (خارج فقه و اصول)^۲

۴- سید محمد محقق داماد یزدی (خارج اصول)^۳

۵- شیخ محمدعلی اراکی (خارج اصول)

۶- سید روح‌الله موسوی خمینی

مرحوم آیه‌الله بهشتی در قم مدتی هم در مجلس درس مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی شرکت می‌کند و کتاب *سفر* را نزد ایشان فرا می‌گیرد.

۱. مرحوم استاد زمانی در مجلس درس می‌گفتند: من تقریرات درس ایشان را می‌نوشتم، وقتی خدمتشان بردم تا نگاهی به آن کنند، فرمودند: ما از امثال شما نیازی نیست امتحان بگیریم؛ ما با یک نگاه طلبه را می‌شناسیم!

۲. مرحوم استاد می‌فرمودند: من در درس آیه‌الله بروجردی که بحث «لباس مشکوک» بود شرکت می‌کردم و تمام مطالب را می‌نوشتم؛ و زمانی توسط شخصی تقریرات درس را برای ایشان فرستادم تا ملاحظه بفرمایند. وقتی به خدمتشان شرفیاب شدم، به من فرمودند: بسیار خوب نوشته‌اید، ولی مطالبی را که از خودتان به عنوان حاشیه نوشته‌اید، حاضرم پاسخ دهم.

۳. این درس را مرحوم استاد با شهید دکتر شیخ محمد مفتاح همدانی بحث می‌کردند.

بازگشت به نجف اشرف

ایشان در سال ۱۳۷۵ ق پس از درگذشت پدر، بعد از پنج سال تحصیل و تدریس علوم دینی در شهر مقدّس قم، دومرتبه به نجف اشرف بازمی‌گردد و به دعوت استادش مرحوم آیه الله العظمی شاهرودی در مجلس استفتای ایشان حضور می‌یابد.^۱

برگشت به وطن اصلی اصفهان

سرانجام آیه الله بهشتی - رضوان الله تعالی علیه - در سال ۱۳۹۳ ق به خاطر سخت‌گیری‌های حزب بعث عراق، مجبور به ترک نجف اشرف شده و تصمیم به بازگشت به اصفهان می‌گیرد و پس از سکونت در اصفهان، در مدرسه صدر بازار شروع به تدریس دروس مختلف می‌کند.

پشت کار و جدّیت مرحوم آیه الله بهشتی در امر تدریس برای طلاب علوم دینی، بهترین الگو و مثال‌زدنی است. وی با آن که هزلت سنّ و ضعف جسمانی که داشت، هر روز صبح زود در مدرسه صدر در کلاس درس حاضر می‌شد. حتّی این اواخر زمانی که به خاطر بیماری نتوانست از منزل خارج شود، درس را در منزل خود ادامه می‌داد.

وی حدود پنجاه سال در مدرسه علمیّه صدر بازار به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و از مدرّسین برجسته حوزه علمیّه اصفهان در نیمه اوّل قرن پانزدهم هجری به‌شمار می‌رفت. خلاصه عمده اشتغالش در اصفهان: تدریس، تحقیق، اقامه جماعت، وعظ و

۱. در ترجمه خودنوشت ایشان، آمده که: «در همان ایامی که در حوزه علمیّه نجف اشرف مشغول بودم، شب‌ها در حوزه استفتاء مرحوم آیه الله العظمی آقای شاهرودی شرکت کرده و نوشتجات به زبان عربی می‌نوشتیم؛ اجازه اجتهاد هم از ایشان برای حقیر ارسال شد.

ارشاد مردم بود.

در ترجمه‌ای که به قلم خود ایشان به تاریخ ۱۳ رمضان ۱۴۱۴ق نوشته شده، چنین آمده: «از همان اوایل که به اصفهان آمدم بنا به دعوت مرحوم آیه‌الله خادمی قدس سره صبح‌ها در مسجد «حاج رسولیها» واقع در خیابان چهارباغ پایین؛ و ظهر و شب هم در مسجد «باب الرحمة» در «دروازه دولت» اقامه جماعت می‌نمایم».

تألیفات

از آیه‌الله بهشتی قدس سره آثار علمی و تحقیقی بسیار مفیدی به یادگار مانده که عبارتند از:

۱- تقریرات درس آیه‌الله سید حجت کوه‌کمری (در بحث بیع فضولی)

۲- تقریرات درس آیه‌الله العظمی بروجردی (در فقه و اصول)

۳- تقریرات درس آیه‌الله العظمی شاهرودی (در اصول)

۴- تقریرات درس آیه‌الله العظمی خویی (دو دوره ناتمام در اصول)

۵- تقریرات درس /سفار علامه طباطبایی

۶- تقریرات درس حکمت منظومه آیه‌الله شیخ صدرا بادکوبی قدس سره

۷- مختصری در علوم غریبه

۸- شرح دعای سحر

۹- رسائل متفرقه دیگر

مشایخ اجازه

مشایخ اجازه مرحوم آیه‌الله بهشتی عبارتند از:

۱- آیه‌الله العظمی سید محمود شاهرودی (اجازه اجتهاد)

۲- آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی (اجازه اشتغال به تدریس)

فصل سوّم: زندگینامه مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی ◇ ۲۹

علوم دینی)

۳- آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (اجازه امور حسبیه)

۴- آیه الله العظمی بروجردی (تصدیق اجازه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی)

۵- آیه الله العظمی خویی (تصدیق اجازه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی)

۶- آیه الله العظمی سید جمال الدین گلپایگانی (تصدیق اجازه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی)

۷- علامه محقق شیخ آقابزرگ طهرانی (اجازه روایت)

وفات

سرانجام عالم و فقیه اهل بیت (علیهم السلام)، اسوه زهد و تقوی، مدرّس کوشای حوزه علمیه اصفهان، آیه الله حاج شیخ مجتبی بهشتی نجفی قدس الله سرّه السبحانی پس از نود و اندی سال عمر پربرکت، در عصر روز پنجشنبه ۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۹ ق مصادف با عید سعید غدیر و مطابق با هشتم شهریور ۱۳۹۷، نداي ﴿أَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً﴾^۱ را لبتیک گفت.

مراسم تشییع پیکر آن فقید سعید در روز شنبه ۲۰ ذی الحجه در مراسمی با حضور علما، طلاب و مردم اصفهان از مدرسه صدر بازار تا مرقد علامه مجلسی اعلی الله مقامه العالی انجام شد و سپس در آنجا در جوار قبر مرحوم آیه الله میرجهانی، به خاک سپرده شد؛ عاش سعیدا ومات سعیدا، حشره الله مع مولاه ومولی الکونین أمير المؤمنین علیه افضل صلوات المصلّین.

۱. سوره فجر، آیه ۲۸.

مادّه تاریخ وفات

علامه محقق استاد سیّد عبدالستّار حسنی دامت افاضاته در بیت پایانی قصیده‌ای که در رثای مرحوم آیه‌الله بهشتی سروده، در تاریخ وفات گوید:

عامٌ حُزنٍ حلّ أرّخ: «وبه فُجِعَ الشرُّ بِفَقْدِ الْمُجْتَبَى»
(۱۳) (۱۵۳) (۶۰۱) (۱۸۶) (۴۸۶)

۱۴۳۹ هـ. ق

همچنین حجة الاسلام و المسلمین سیّد مصطفی موسوی مهدوی اصفهانی متخلّص به «نحوی» از شاگردان مرحوم آیه‌الله بهشتی، در پایان قصیده‌ای که در رثای استادش سروده، بهر تاریخ وفات می‌گوید:

طبع نحوی هم‌زمان آورد سر در جمع و گفت:

«آیه‌الله بهشتی زاهد و الامقام»

(۴۷۷) (۷۱۷) (۱۷) (۲۱۹)

۱۴۳۹ هـ. ق

فصل چهارم: برخی از شاگردان و مجازین

حضرت آیه الله بهشتی رحمته الله اهتمامی ویژه به تدریس داشتند. درس ایشان تا پایان ماه شعبان سالی که وفات کردند برقرار بود. تعطیلی جز در ایامی که به مسافرت رفته بود که قالب این مسافرت‌ها نیز سفرهای زیارتی بود و ایامی که به شدت بیمار بودند برای معظم له معنا نداشت.

پیرمرد صدساله حوزه علمیه اصفهان هر روز صبح قبل از ساعت ۸ صبح درب حجره خود را باز می‌کرد و مهتای تدریس می‌شد و درس دوم را در مَدْرِیس رو به قبله مدرسه صدر بازار اصفهان القاء می‌کرد.

به‌طور طبیعی وقتی ورود آیه الله بهشتی در سال ۱۳۹۳ ق به اصفهان باشد تا پایان ماه شعبان ۱۴۳۹ ق، دقیقاً ۴۷ سال در این حوزه علمیه به تدریس علوم مختلف و کتاب‌های متعدد پرداخته است. از آن جمله می‌توان:

- منظومه، حاج ملا هادی سبزواری رحمته الله
- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی رحمته الله
- مکاسب، شیخ اعظم انصاری رحمته الله
- کفایة الأصول، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی رحمته الله، چند دوره را نام برد.
- خارج فقه
- خارج اصول

دو درسی بود که آن را تا روزهای آخر تدریس ادامه دادند.

شاگردان

حضرت آیه‌الله بهشتی مد ظله در نجف اشرف نیز تدریس داشته‌اند که ما از شاگردان نجف ایشان جز حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید محمود هاشمی شاهرودی دام ظلّه دیگری را نمی‌شناسیم. اما برخی از شاگردان اصفهان با حذف القاب به ترتیب حروف معجم فامیل به قرار ذیل می‌باشند با ذکر این نکته که مراتب علمی افراد یادشده مختلف است و بین مبتدی تا منتهی می‌باشند. و همچنین مدت استفاده این افراد از ایشان نیز از دهه‌ها تا چند ماه مختلف می‌باشد:

آل داود - سید حمید

ابراهیمی درمیانی - هادی

ابراهیمی یزدآبادی - مرتضی (مرحوم)

ابطحی فروشانی - سید محسن

احمدی - سید حسن (مرحوم)

احمدی - حسین

احمدی ده رجبی - محسن

اصغرزاده مرغ ملکی - علی پناه

افتکاری - مهدی

امامی اشترجانی - عبدالعلی

امامی کوهپایه‌ای - علیرضا

املائی سدهی - محسن

امیری لردگانی - صفرعلی (مرحوم)

ایزدپناه شهرضایی - محمدحسن

ایزدپناه - محمد مهدی

باباصفری - محمدتقی
بخشیانی - حسنعلی
برکت خوراسگانی - سید مرتضی
بهرامی - اسداله
بهرمن - محمد
بیاتی عاشق آبادی - ابراهیم
ترکی هرچگانی - ابراهیم
جابرزاده - محمد
جزینی درچه - علی
جندقیان - حمیدرضا
جوادى حسین آبادی - محمود
جولائی فروشانی - مجید
حججی نجف آبادی - محمد
حسام هرنندی - حسین
حسینی اندانی - سید تقی
حسینی جوجیلی - مهدی
حسینی دولت آبادی - سید حسن
حسینی رامشه‌ای - سید حسین (مرحوم)
حسینی طالخونچه‌ای - سید مهدی
حلبیان اصفهانی - حسین
حیدریه - سید مهدی
حیدریه - سید جواد
خالقی - محمد
خانجانی - مهدی
خدایی - سید هدایت‌الله (مرحوم)

خوانساری - حمیدرضا
دیباچی - سید اکبر
رحمانی - میرزا علی
رسالت‌پور - محمد
رضایت - امیرحسین
روح‌الامین - حسین
روضاتی - سید احمد
سجادی محمدآبادی - سید مجتبی
سنائی سودانی - عباس (مرحوم)
سلیمانی - مسعود
سید العراقین - سید ابراهیم (مرحوم)
شاه رجبیان گرگابی - محمد (مرحوم)
شاه میری - سید محمد
شفتی - سید محمدرضا
شکل‌آبادی - محمدحسین
شیریان - مرتضی
صادقی زفره - مهدی
صالحی - حسین
صالحی تبار - علی‌اصغر
صفری - هادی
صفری حبیب‌آبادی - عباس
طالقانی - امیرحسین
طباطبائی - سید مهدی
طباطبائی - سید محمد
ظفر - سید مهدی

عابدی - سیف‌اله
عرب - موسی
عطریان - حامد
عظیمی خوانساری - سید عبدالعظیم
غفوری - حجت‌الله
فاضل - مهدی
فقیهی - محمد مهدی
فقیهی خوراسگانی - جواد (مرحوم)
فولادگر - محمد
قاسم‌زاده - محمد علی
قاسمی - غلامرضا
قاسمی دستجردی - مجید
قانعی - محمود (مرحوم)
قریشی مدیسه‌ای - سید ابوالحسن
کرمانی - ... (مرحوم)
کلاهدوزان - سید ابراهیم
لطفی خورزوقی - محمد رضا
محبوبی - رضا
محمدی - حسین علی
محمدی - علی اصغر
محمدی جوزدانی نجف‌آبادی - علی محمد (مرحوم)
مرتضوی کوپائی - مهدی
مروج - ... (مرحوم)
مصباح - اسماعیل
مصطفوی فروشانی - سید محمد حسین

مظاهری کلهرودی - روح‌اله
 معصومی‌نیک - جواد
 معنوی - سید محمود
 معینی کر بکندی - عباس‌علی
 مقصودی - صفر علی
 ملا کاظمی - امیر
 ملایی رهنانی - رمضان‌علی (مرحوم)
 ملکوتی نیسیانی - سید علیرضا
 منه‌اج عاشق‌آبادی - ... (مرحوم)
 مؤمن (شکرانی) - ابراهیم
 مؤمنی - سید احمد
 مؤمنی حبیب‌آبادی - سید مصطفی
 موحد ابطحی - سید فضل‌الله (مرحوم)
 موسوی درب امامزاده درچه‌ای - سید ابوالحسن
 مهدوی - سید محمد
 مهدوی (نحوی) - سید مصطفی
 مهدوی - سید یحیی
 مهدوی هرستانی - سید محمد علی
 مهریار - محمد جواد
 میردامادی - سید مسعود
 میردامادی سدهی - سید رضا (مرحوم)
 میرزایی علی عربی - محمد رضا
 میرلوحی - سید محمد
 میرلوحی جوی آبادی - سید احمد
 میرلوحی جوی آبادی - سید حسن

میرلوحی یزدآبادی - ...

میرمحمدی - محمد

نجفی - محمدتقی

وکیلی - مهدی

هاشمی مبارکه‌ای - سید عبدالغفار

هاشمی فرد - سهراب

همتی - شهاب

مجازین

آیه‌الله بهشتی در طی سالیان درازی اجازاتی را در نقل روایت صادر کرده‌اند که به برخی از اسامی مجازین به ترتیب حروف و حذف القاب اشاره می‌کنیم:

باقری سیانی - مهدی (شفاهی)

تراب علی کاظمی - حسن

جهان مهین جهرمی - شکرالله

الحسنی - سید عبدالستار

حلبیان - احمد (شفاهی)

حلبیان - حسین

رضایت - امیرحسین

روضاتی - سید ابوالقاسم

روضاتی - سید احمد

زاهد نجفی - محمد (شفاهی)

سلیمانی بروجردی - میرزا علی (شفاهی)

شفتی - سید محمدحسین

شفتی - سید محمدرضا

شفتی - سید مهدی

شوندی - وحید
صالحی تبار - علی اصغر
عرفانیان - محسن (شفاهی)
قاسمی - رحیم (شفاهی)
کلاهدوزان - سید ابراهیم
مهدی پور - علی اکبر (شفاهی)
نجار اعرابی - مهدی
نجفی - محمد علی
نجفی - هادی
نعیمی اراکی - داود (شفاهی)

فصل پنجم: مصاحبه با حضرت آیه الله بهشتی رحمه الله

نجفی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، در خدمت حضرت آیه الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی - دام ظلّه - از بزرگ ترین علمای اصفهان هستیم. حضرت آیه الله بهشتی از دانشمندان و علمایی هستند که از مفاخر نه تنها اصفهان بلکه ایران هستند و شیخ العلمای اصفهان بلکه امروز شیخ العلمای جهان تشیع هستند. از تحصیل کرده هایی هستند که در حوزه علمیّه اصفهان و قم و نجف **بهشتی:** در مورد نجف، بیشتر تحصیلات در نجف بوده، ۵ سال هم قم.

نجفی: و مراجع و علمای بزرگی را در نجف اشرف درک کرده اند. حالا از خود حضرت آیه الله بهشتی می خواهیم که شروع کنند از تولدشان و تحصیلاتشان را، همین گونه برای ما خودشان تعریف کنند و بفرمایند.

بهشتی: بله همین طور که حضرت آقا که از خویشاوندان ما هستند و از طرف مادر انتساب داریم، فرمودند، این حقیر متولد نجف اشرف و پدرم هم که عکسشان اینجاست، ایشان هم متولد نجف اشرف. و هر دو در سلک روحانیت بودیم از مِنْ الْأَوَّلِ إِلَى

الآخر. ابوی‌مان هم همین‌طور. و ابوی ما از شاگردان مرحوم میرزا محمدحسین نائینی و مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم شریعت اصفهانی ایشان تحصیل کرده بودند و اجازه اجتهاد ایشان هم از مرحوم آقا میرزا عبدالهادی شیرازی در دست است. فرزند مرحوم آقا عبدالرحیم یعنی پدرمان فرزند آقای عبدالرحیم که ایشان از اخیار کسبه‌ی اصفهان بودند و سال‌ها قبل از فوتشان هجرت می‌کنند به عراق و در نجف اشرف اقامت می‌کنند تا فوت می‌کنند و از بس که خیر و ارادت به علما داشتند پسرشان یعنی یکدانه پسرشان که پدر ما باشد، روائه تحصیل می‌کنند و در نجف ایشان ده بیست سال درس می‌خوانند و بعد عازم اصفهان می‌شوند که بیایند به اصطلاح شهر آباء و اجدادی‌شان را ببینند.

می‌آیند چندسالی در اصفهان و در اصفهان حکیم‌باشی بوده که الان هم منزلش را در همین مسجد علی قلی آقا هست و دولت برداشته فضای سبز کرده منزل حکیم‌باشی را. ایشان درس طب هم پیش حکیم‌باشی می‌خوانند و خودشان هم برای ما طبابت می‌کرد، اما برای کس دیگر طبابت نمی‌کردند. و هرگاه اصولاً طوری بودند که یک‌وقت من با ایشان در یک بحثی طول دادم بعد آقای سید عبدالهادی شیرازی به من رسید و از قضیه مطلع شد، گفت: شما به آقای والدتان باید بیش از اینها احترام کنید، چیزی نگفتید ولیکن همین طول دادن مباحثه با ایشان مناسب نبود. و ایشان خیلی زحمت کشیدند.

و خود آقای سید عبدالهادی شیرازی واقعاً شخصیتی بود که قدرش مجهول بود و در کمال فقر. و در نجف خانه اجاره‌ای و با چه زحمتی زندگی می‌کرد و به نظر من شاید اعلامیت بر آقا سید ابوالحسن اصفهانی هم داشت. ولیکن ستاره اقبالش در حال غروب

بود. و این اواخر که مرجعیت پیدا کرد نابینا شد. و من بسیاری از مکاسب شیخ انصاری را پیش آقا سید عبدالهادی شیرازی وقتی چشم داشت می خواندم، واقعاً لذت می بردم.

گفت که: شیخ چرا متعرض به مسئله محاسن نشده ای. و خود آقا سید عبدالهادی مسئله حلق لَحیه^۱ را عنوان کرد. و یکی از شوخی هایی که ایشان می کرد گفت که: در قبضه اختلاف است که از اینجاست یا از اینجاست و آنوقت در یک مقداریش هم دوران بین محذورین می شود. چون دارد در بین یک قبضه حرام است آنوقت اگر از اینجا بگیریم بعضی ها مرتکب حرمت شده اند؟! و خیلی آقای متینی بود. بعضی روزها نمی آمد درس. می گفتیم آقا دیروز نیامدی؟ می گفت: یک آقای آمد من خوشم نیامد که چیزی عرض کنم. فقط به ساعت نگاه کردم دیدم اعتنایی نکرد. و ایشان در آخر مطلب گفت حلق لَحیه حرام است و در حلق لَحیه این روایت را خواند «حلق اللحية من المثلة ومن مثَّلَ فعلیه لعنة الله»^۲ گفت آخر نمی شود همه اش احوط احوط می کند. این روایت معتبر است. یک چیزی هم از میرداماد^۳ نقل کرد که من حالا نوشته اش را هم دارم در تقریرات ایشان. علی ای الحال یکی از اساتید ما بود.

یکی آقای شاهرودی که اینجا عکسشان را گذاشتیم. ایشان هم قدرش مجهول بود. ایشان هم در خانه اجاره ای و در معاش فقر. آنوقت آقا سید ابوالحسن اصفهانی بعد از فوت آقا شیخ علی قمی که

۱. تراشیدن ریش.

۲. الجعفریات، ص ۱۵۷، و در کتاب مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۱ از آن نقل می کند. تکمیل بحث پیرامون این روایت را در کتاب الآراء الفقهية، ج ۲، ص ۴۶ ببینید.

۳. رجوع کنید به کتاب: شارع النجاة، ص ۱۰۳ چاپ شده در ۱۲ رساله از میرداماد به اهتمام مرحوم سید جمال الدین میردامادی رحمته الله.

پیش‌نماز مسجد هندی جامع نجف بود آقای سید ابوالحسن می‌دانستند که آقا سید محمود علمیتش خوب است. عرب‌ها آمده بودند با ناراحتی که ما عرب هستیم باید در عراق پیش‌نماز باشیم. شیخ علی قمی بیخود اینجا نماز می‌خواند و آقای سید ابوالحسن گفته بود پیغام دهید من خودم می‌خواهم بیایم و دیگر کسی جرأت نمی‌کرد با ایشان مخالفت کند. من خودم می‌خواهم بیایم و خود آقا آمد چند شب نماز خواند با کمال ضعف و نقاها و بعضی شب‌ها یواشکی به آقا سید محمود پیغام می‌داد که من امشب نیام و شما بخوان. و ایشان را نصب کرد.

و حالا آقا سید عبدالهادی و آقا سید محمود از اساتید ما هستند. ولیکن استفاده زیادی از آیه‌الله خویی هم کرده‌ام و دو دوره اصول از آقای خوئی نوشته‌اش موجود است ولیکن نامرتب است. و کسی هم نیست که مرتبش کند و خودم هم دیگر بی‌حال شدم و نمی‌توانم.

نجفی: حضرت آیه‌الله بهشتی سه تا از اساتید نجف اشرفشان را معرفی کردند که عبارت بودند از حضرات آیات عظام: آقای سید عبدالهادی شیرازی، آقای سید محمود شاهرودی بزرگ و آیه‌الله خویی. ظاهراً حضرت آیه‌الله شما پیش مرحوم آیه‌الله سید محسن حکیم نیز درس خوانده‌اید؟

بهشتی: حالا ایشان را هم نظرم آوردید. از ایشان هم خیلی من استفاده کردم. و ایشان گاهی فارسی هم در اثنای - درسش عربی بود و عربی همین معمول عرب‌ها نه عربی فصیح - . آقای خویی عربی فصیح درس می‌داد. ولی آقای حکیم همین عربی شکسته درس می‌داد. گاهی طلبه‌های ایرانی که اشکال می‌کردند به فارسی جواب می‌داد. یک دفعه گفت ما حکیم هستیم یعنی از فرزندان حکیم داود اصفهانی. خودش گفت ما از بستگان حکیم داود

اصفهانی هستیم. معلوم شد که این همه که عرب‌ها می‌گفتند الحمدلله بعد از آقا سید ابوالحسن اصفهانی رسید به عرب‌ها، معلوم شد که آقای حکیم هم که اصفهانی است.

نجفی: حکیم داود اصفهانی جد آقای حکیم اصفهانی است. و همچنین مثل اینکه از آیه الله میرزا هاشم آملی نیز استفاده علمی کرده‌اید؟

بهشتی: از میرزا هاشم آملی هم من خیلی استفاده کردم.

نجفی: درس فقه ایشان شرکت می‌کردید.

بهشتی: بله عروه را. فروع اجمالی عروه را درس می‌داد. یک نفر و گاهی وقت‌ها یک نفر دیگر می‌آمد. و ایشان بعد که آمد از نجف به قم، در قم اطرافش را گرفتند و قدرش را دانستند. اما در نجف از بس که بعضی از عرب‌ها خیلی با اهل علم مخالفت می‌کردند. هیچ آقای در نجف قدرش معلوم نبود. پشت دیوار منزل آقای سید ابوالحسن مرجع تقلید عالمی شد. نوشته بودند: «أُخْرِجُ المَجُوسَ مِنْ بِلَادِكُمْ». آن وقت ایشان وقتی که آمدند گفتند می‌خواهیم فلکه دور صحن نجف بکشیم. کی آمد؟ وزیر فیصل اول آمد پیش ایشان و گفت که می‌خواهیم یک فلکه‌ای بکشیم. آقا قلیون می‌کشید گفت: «إِذَا كَانَ كَذَا صَارَ كَذَا وَ إِذَا صَارَ كَذَا، صَارَ فُلَانٌ»، همین دیگر هیچ نگفت. وزیر هم بلند شد خدا حافظی کرد و رفت. گفتند: چی فرمود؟ گفت: بیان تهدید! بعد به خود آقا گفتند که آقا «إِذَا كَانَ...» یعنی چه؟ گفت: چیزی گفتم که چیزی نگفته باشم. گفت: خانه‌های مردم را خراب می‌کنند و مردم را بیچاره می‌کنند، پول درستی نمی‌دهند، من مسئول می‌شوم. دیانت آقای سید ابوالحسن اصفهانی. گفت خراب می‌کنند خانه‌ها را پولش را نمی‌دهد، من مسئول می‌شوم. گفتم «إِذَا كَانَ كَذَا، صَارَ كَذَا، وَ إِذَا صَارَ كَذَا صَارَ فُلَانٌ» همین.

نجفی: حضرت آیه‌الله بهشتی جنابعالی معقول هم مثل اینکه در نجف اشرف خوانده‌اید؟

بهشتی: بله آقا شیخ صدرای بادکوبی در نجف معروف به حکمت بود و از مقربان آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی که آقا موسی پسر آقا سید حسن مقتول. بله آقا موسی نوۀ آقا سید ابوالحسن بود، ایشان با آقا شیخ صدرا و دو نفر دیگر آمدند به ایران. بله ایشان محترم بود و منظومه را خیلی قشنگ می‌گفت. یک وقتی صحبت شد که گفتم آقا، آقای شیخ صدرا، اینکه مرد مسیحی /المنجد نوشته، من نگاه می‌کردم دیدم عکس آقای ملا هادی سبزواری را گذاشته و نوشته که الحاج ملا هادی السبزواری فلیسوف حلولی!!! فرمود: ملا هادی منزّه است. حلول، کفر و زندقه است. این مرد مسیحی درضمن کتاب لغت نوشتنش خیلی شیطننت کرده، گفتند دیگر حالا چه کار کنیم. ولی یواش به من گفت: خیلی هم بی‌جا نگفته.

نجفی: عرض کنم حضرت آیه‌الله بهشتی جنابعالی بعد از مدّتی که تحصیلاتتان در نجف به سرانجام می‌رسد یک هجرتی هم به حوزه مقدسه علمیه قم دارید در زمان مرحوم آیه‌الله بروجردی تشریف می‌آورید به قم و از آن اساتیدی هم که در قم حدود سال ۱۳۷۰ ق که از نجف اشرف تشریف می‌آورید قم این را هم برای آقایان چند نفر را نام ببرید.

بهشتی: عرض کنم علتش این بود که هم عیال ما مریض شد در اثر گرمای شدید نجف که بعضی شب‌ها یک ابرهای سیاهی در نجف پیدا می‌شد. حالا نمی‌دانم هست یا نه. یک باد سوزانی هم می‌آمد و یک شب من یادم هست که یا شش مرتبه یا هفت مرتبه از قعر سرداب رفتیم بالای بام شدت گرمای بام دوباره برگشتیم توی

سرداب از جانورها و عقرب‌ها و حشرات سرداب فرار می‌کردیم می‌آمدیم بالا تا اینکه صبح شد، نمی‌شد بخوابی. در برج وسط تابستان گرمای نجف خیلی شدید می‌شد.

یک وقت که آقای حاج شیخ جواد کلباسی، حاج میرزا جواد، امام مسجد حکیم، ایشان آمد نجف و آمد دیدن ما. یک خانه محقری بود آمد دیدن ما. خیلی مرد وارسته‌ای بود. وقتی که می‌خواست یک وجهی به کسی بدهد، می‌گفت آقا این مال خودتان است. مال خودتان است هیچ منتهی توی این نیست، مال خودتان است پیش من گذاشتند امانت بوده و درضمن وقتی آمد خانه ما، گفت: آقا. گفتیم: بله. گفت: آقا عوض اینکه اینجا کسی درس بخواند مجتهد شود دیوانه می‌شود با این گرما. گفتیم تحصیل حاصل است.

نجفی: و لذا مشرف شدید به قم.

بهشتی: بله در اثر کسالت، با عیال و یک بچه هم داشتیم، آمدیم اصفهان، عیال و بچه را گذاشتیم، خودم تنها برگشتم قم. آقای بروجردی هنوز محاسنشان را رنگ می‌زدند و با همان لباس بی‌رنگ و محاسن رنگ‌زده و اینها. آن سال بودیم. بعد سال بعد که به ایشان گفتند که رنگ زدن و اینها برای شما مناسب نیست. ایشان دیگر ترک کردند و محاسنشان سفید بود. و عرض کنم اساتید خیلی خوب. یعنی خوب هم از نظر علمیت و هم از نظر تقوا. عرض کنم آقای سید محمدتقی خوانساری، اشتباه نشود با آقا سید احمد. آقا سید احمد در تهران بود آقا سید محمدتقی مرجعیت داشت. ایشان درس اصول می‌داد در مدرسه فیضیه. ما حاضر می‌شدیم و عرض کنم بر اینکه آقای بروجردی هم که فقیه علی الاطلاق بودند درس فقه ایشان. و درضمن مرحوم علامه آیه الله العظمی آقا سید محمدحسین صاحب المیزان ایشان اول آفتاب،

سفر درس می‌داد در مسجد سلماسی در قم. آنجا اسفار درس می‌داد. ما ته باجک بودیم. از ته باجک با یک جفت گالش کهنه می‌کوبیدم برای مسجد سلماسی اول آفتاب. و آقای سید جلال آشتیانی ایشان اخیراً استاد دانشگاه شد. ایشان هم می‌آمد. بعد ما دیدیم اینها پیچ می‌کنند در درس/سفر که درس عصر فلان و اینها. من فهمیدم که علامه یک جلسه اصولی دارد و اینها نمی‌خواهند کسی بفهمد. تحقیق کردم عصر خودم را گذاشتم توی مسجد سلماسی. دیدم آقای طباطبایی آمد و اینها هم دورش را گرفتند. داشت مسئله اجتماع امر و نهی را می‌گفت. می‌گفت اگر جانب نهی را تقدیم کنیم چه می‌شود. من عرض کردم اگر جانب امر را تقدیم کنیم چه می‌شود؟ همچنین کرد (فکر کرد). بعد آقا جلال گفت که همچنین می‌شود. گفت نخیر. آقای علامه خیلی منصف بود. گفت نخیر. این جواب ایشان نیست. یکی دیگر یک چیزی گفت. گفت من باید تأمل کنم. بلند شد و رفت. آقا جلال به من گفت آقا شیخ از نجف آمدی می‌خواهی حوزه قم را بهم بزنی. چرا وسط درس حرف زدی؟ رسیدیم کوچه آقازاده که مسجد سلماسی. گنبد پیدا شد. گفتم آقا سید جلال این گنبد کیست؟ گفت: حضرت معصومه سلام الله علیها. گفتم: دختر کیست؟ گفت: موسی بن جعفر (علیه السلام). گفتم: به آن موسی بن جعفر (علیه السلام) و به جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) که من این چیزها را ندارم، من اشکالی به نظرم آمد گفتم. برگشت گفت که باید ببخشید من اشتباه کردم. بعد هم دیگر با ما رفیق شد و درس عصر هم ادامه می‌دادیم، درس آقای طباطبایی را. این هم قضیه درس آقای علامه طباطبایی. و/سفر هم، مقداری تقریرات دارم که به حرف‌های ایشان اشاراتی دارد و موجود است.

نجفی: پس هم اسفار مرحوم علامه طباطبایی شرکت کردید هم درس اصول فقه شان. درس آقای داماد هم مثل اینکه می رفتید؟
بهشتی: آقای داماد را می رفتیم با آقای شهید مفتاح. با هم می رفتیم شهید مفتاح. و خیلی اخلاق خوبی داشت و خیلی ز رنگ بود. خیلی ز رنگ بود نه آنقدرها. می رفت آبادان پیش آقا شیخ عبدالرسول قائمی و ایشان برایش مجلس درست می کرد. منبرهای خیلی آتشی و عالی می رفت مفتاح. و با من خوشش آمد که مطالب علمی صحبت کند. بعد دیگر ما ۵ سال که در قم ماندیم از آقای بروجردی اجازه گرفتیم برای اینکه دیگر ابوی مرحوم شدند و رفتیم نجف آنوقت بعد از چند ماه آقای مفتاح مشرف شد به نجف ولی یک قدری که ماند گفت من طاقت این گرما را ندارم، مال همدان بود، برگشت. دیگر ایشان را ندیدیم.

نجفی: و دیگر از اساتید قم شما مرحوم آقای سید محمد حجت کوه کمره ای.

بهشتی: بله و آقا سید محمد «وما أدراك من آقا سید محمد؟» من یک قدری احتمال می دادم که در تقوا شاید کم نظیر بود. طلبه های دورش آذربایجانی ها ترکی حرف می زدند، برگشت گفت آقایان همه تان فارسی بلدید، ترکی حرف نزنید، نجوا می شود نجوا می شود. می گفتند به آقای حجت طلبه ای در دکان نانوائی دعوا کرده، گفت: باید همین جا در مدرسه نانوائی درست کنیم. در مدرسه حجتیه نانوائی درست کردند به امر آقای حجت. یک طبقه بود که آقای حجت زنده بود. و درس ایشان از بس سینه اش بیمار بود و صدایش ضعیف، یک عده همین نزدیک می فهمیدند و بقیه دیگر برای التماس دعا نشسته بودند و نسبت به احترام به آقای بروجردی نقل کردند من ندیدم. گفتند: رسیدند نزدیک تا چشمش

به آقای بروجردی افتاد سوار الاغ بود جست از الاغ پایین دست‌هایش را به سینه‌اش گذاشت و جلوی آقای بروجردی احترام کرد، این آقای حجت کوه‌کمری. من یک چیزی نوشتم از درس خارج ایشان، دفتری بود دادم به یکی داد به آقا گفت کیه؟ گفت این آقا. گفت: آقا به شما جسارت شده ما نگاه می‌کنیم طلبه را می‌شناسیم. ما نگاه می‌کنیم. به همین عبارت. گفت: ما نگاه می‌کنیم طلبه را می‌شناسیم به شما جسارت شده.

نجفی: درس خود آقای آیه‌الله بروجردی هم که مشرف می‌شدید؟

بهشتی: بله با آقای شیخ محمد کلباسی با هم می‌رفتیم و ایشان بنده را به آقای بروجردی معرفی کرد، چون آقای بروجردی مدتی پیش جدّ آقا شیخ محمد کلباسی تلمذ کرده بودند. ما را معرفی کرد و آنوقت ایشان خیلی به ما لطف پیدا کردند به وسیله تعریف آقای محمد کلباسی - رضوان الله علیه - .

نجفی: بعد ۵ سال قم مشرفید و مجدداً برمی‌گردید به نجف. در مراجعت به نجف در سال ۱۳۷۵ دیگر مستغنی بودید از درس.

بهشتی: دیگر نرفتم درس. رفتم درس شب‌ها. آمدند ما را گرفتند بردند منزل آقای شاهرودی نشاندن پهلوی آقا سید محمود و گفتند که آقا خودشان به ما گفتند که شما بیایید اینجا. ابوی‌مان هم می‌آمدند بعضی شب‌ها. ولی ایشان پیر بودند دیگر کم می‌آمدند. ما می‌رفتیم و استفتائات را می‌نوشتیم. و انصافاً از این سید شاهرودی خیلی استفاده بردیم. یعنی انواع و اقسام استفاده. نه فقط استفاده علمی، استفاده از جهات اخلاقی، جهات سیاسی خیلی ایشان پخته بود. و باتقوا بود وقتی که حکومت عراق اعلام کرد که آب و برق نجف که مال حاج عبدالرحیم بوشهری بود گفت که دیگر

مدتتان تمام شده و باید بروید کنار. آنها اعلام کردند و ما هنوز سرمایه‌مان را برنداشتیم و راضی نیستیم. و آقای شاهرودی پیرمرد می‌رفت با یک ظرفی از چند کیلومتری نجف آب می‌آورد، برای اینکه اشکال پیدا کرده بود. حالا فرزندشان آقا سید محمد هم در قم هست ولیکن دیگر بی‌حال شده.

نجفی: آقا زاده‌شان، بسیار خوب بعد که دیگر برگشتید نجف جنابعالی جزء اعضای لجنه استفتاء مرحوم آیه الله آقا سید محمود شاهرودی شدید و ظاهراً استفتائات چون جنابعالی خوش خط هم هستید به خط جنابعالی صادر می‌شد و می‌نوشتید. آن وقت اجازه روایت هم مثل اینکه از مرحوم آقا بزرگ تهرانی دارید.

بهشتی: بله.

نجفی: اجازه اجتهاد از آیه الله سید محمود شاهرودی بزرگ دارید.

بهشتی: بله.

نجفی: و اجازه در امور حسبيه از چه کسی دارید؟

بهشتی: از آقا سید ابوالحسن در زمان طلبگی.

نجفی: از مرحوم آیه الله آقا سید ابوالحسن دارید تا بعد آقا سید ابوالحسن مراجع بعد هم همین‌طور.

بهشتی: همه در حاشیه، آقای بروجرودی و آقا سید عبدالهادی و اینها همه در حاشیه و مهر آقا سید ابوالحسن زیر همه است و بقیه همان اجازه را تنفیذ کرده‌اند.

ولی از کسانی که قدرش مجهول است خود آقای سید ابوالحسن است. برای اینکه ایشان یک کارهای عجیبی کرد. جنگ جهانی با آن کذایی که انگلیس و آلمان و اینها ریختند به همدیگر. عرض کنم

تا جنگ بعد از شش سال، هفت سال تمام شد. بعد که تمام شد آمدند به آقا گفتند که از انگلستان آمدند می‌خواهند با شما ملاقات کنند. گفت: نه، نه، من با انگلیسی‌ها کار ندارم. گفتند: آقا وزرا و اینها نمی‌شود رد کنید و شما دیگر بالاخره در عراق هستید و باید که به قوانین اینها ملتزم باشید. گفت پس در یک جای وسیعی باشد. یک جای وسیعی باشد و تمام علما عجم و عرب همه باید بیایند که ببینند که چیز مخفیانه‌ای نیست. همه را حاضر کردند بعد آمدند نشستند و یک نفری که انگلیسی بلد بود به آن نماینده انگلستان گفت مطلب چیست؟ گفت مطلب این است که ما نذر کردیم که اگر بر آلمان نازی غالب شدیم یک وجهی به کاتولیک‌ها بدهیم، یک وجهی هم به رئیس اسلام.

نجفی: به رؤسای ادیان الهی.

بهشتی: مال کاتولیک را بردیم در واتیکان دادیم. و حالا آمدیم ایشان رئیس اسلام است، آمدیم به ایشان نیز بدهیم. حالا همه علمای عرب و عجم ظاهراً مسجد هندی بود نشسته‌اند ببینند آقا چه می‌گوید. پول انگلیس. آقا سید ابوالحسن این است. این آقا گفت چقدر است؟ گفتند مثلاً ده میلیون دینار عراقی. گفت بذار اینجا. دست نزد. دست کرد توی جیبش یک حواله درآورد گذاشت آنجا. گفت این دو مقابل این است. اینها را ببرید آن جاهایی که بمباران کردید به ایتم و آنهایی که ماندند از اینها که بمباران کردید، بدهید به آنها، و بگویید سید ابوالحسن داد. این را می‌گویند آقا. دست نزد به پول آنها. حواله از جیبش درآورد گذاشت روی آن و گفت ببرید بدهید بگویید سید ابوالحسن داد.

نجفی: تألیفاتی هم مثل اینکه جنابعالی از تقریرات دروس اساتیدتان نوشته‌اید و دارید؟

بهشتی: بله عرض کنم که یک بیماری بنده دارم که از اوّل جوانی مزاحم ما بوده و آن مسئله مثانه است. هنوز هم گرفتارم. و این آقای دکتر سجادی هم که ایشان می‌دانند و می‌شناسندش، ما را اخیراً عمل کرد. ما مبتلا به این بودیم و لذا جزوه‌هایی که من نوشتم اغلبش دارای نواقص است و الآن نمی‌توانم تکمیل کنم چون نه دست دارم نه حال دارم و کسی هم نیست کمکم کند. لذا اینکه در اسفار دارم، در منظومه دارم، در فقه آقای بروجردی مدتها حاضر شدیم، دارم. و درس‌های آقای خوئی که قریب دو دوره اصول است. این‌ها را دارم. ولیکن نمی‌رسم که اینها را تنظیم کنم.

نجفی: حضرت آیه الله بهشتی همان‌جور که عرض کردیم از مفاخر حوزه‌های علمیه هستند و به واسطه اینکه هم حوزه علمیه نجف را درک کرده‌اند بلکه اصلاً مولود نجف هستند و هم حوزه علمیه قم را درک کرده‌اند، اساتید هر دو حوزه را از این جهت جزء ممتازین شمرده می‌شوند که از هر دو حوزه علمیه نجف و قم استفاده کردند. پدرشان هم از علمای بزرگ هستند که پدرشان در صحن امیرالمؤمنین مدفون هستند و اولین اجازه اجتهادی که برای آیه الله حاج آقا حسین خادمی اصفهانی رئیس حوزه علمیه اصفهان - تا اوایل انقلاب ایشان رئیس حوزه علمیه اصفهان بودند - اولین اجازه اجتهاد آیه الله خادمی را پدر آیه الله بهشتی صادر کرده‌اند و بعد دیگر روی اجازه پدر آیه الله بهشتی بقیه آقایان از جمله: مرحوم آیه الله حاج آقا محمد مقدس هم برای ایشان اجازه اجتهاد نوشتند، بعد هم بقیه آقایان اجازه نوشتند یعنی هم آیه الله بهشتی خودشان از علمای بزرگ هستند و هم مرحوم پدرشان، آیه الله شیخ محمدعلی شریف اصفهانی معروف به شریف بودند ایشان هم از علمای بزرگ هستند.

بهشتی: چون مادرشان علویه بود ایشان [پدر آیه‌الله بهشتی] خودشان گفته بودند مادرمان علویه است ما شریف هستیم.

نجفی: و لذا جای این دارد که مردم اصفهان و همه شیعیان وجود مبارک آیه‌الله بهشتی را مغتنم بشمارند، همان‌گونه که در حوزه علمیه هم آیه‌الله بهشتی با کهولت سنی که دارند بحمدالله هر روز دو تا درس القاء می‌کنند. یک خارج فقه بحمدالله القاء و تدریس می‌کنند و یک خارج اصول و مرتباً تشریف می‌آورند مدرسه. و دو درس القاء می‌کنند که یک درسشان در مَدْرَس مدرسه صدر بازار القاء می‌شود و همین که آقایان طلاب وجود مبارک آیه‌الله بهشتی را می‌بینند که با این کهولت سن هنوز درس را رها نکرده‌اند، و هر روز سر وقت درس را تشریف می‌آورند و درس خودشان را القاء می‌کنند، طلبه‌ها پشت‌گرمی پیدا می‌کنند و علاقه‌مند به تحصیل می‌شوند. مضافاً به اینکه حضرت آیه‌الله بهشتی مجمع فضائل هستند. یعنی فضائل‌شان منحصر فقه و اصول و دانش نیست، بلکه فضائل اخلاقی، تقوایی، عملی، همه فضائل را بحمدالله دارا هستند البته افتخار ما هم هستند به جهت اینکه ما با آیه‌الله بهشتی از ارحام هم هستیم و مادر آیه‌الله بهشتی از بیت ما می‌شوند و البته آیه‌الله بهشتی افتخار بیت ما هم به حساب می‌آیند.

بهشتی: از خودشان می‌گویند.

روزی پدرم گفت: برو خانه آقا سید ابوالحسن و بگو آقا سید محمد پیغمبر می‌آید منزل ما، شما هم بیایید، نوجوان مثلاً یازده دوازده ساله چطور من بروم جلو. آقا گفتند: بیا ببینم چی می‌گی؟ گفتم: پدر ما چنین گفتند که در روز فلان می‌خواهد آقای سید محمد پیغمبر بیاید منزل ما. گفتند: آقا سید محمد لیس پیغمبر.

نجفی: اسمش پیغمبر است.

بهشتی: فامیلش پیغمبر است.

واقعاً آقا باورکردنی نبود که از دهات اصفهان یک چنین وجودی که [حاج شیخ محمدحسین] کاشف الغطاء نمازش را خواند، نماز آقا سید ابوالحسن را روی جنازه اش. اوّل خطابه خواند گفت که «أنسی من قبله وأتعب من بعده» شهریه ای که آقا سید ابوالحسن می داد هیچ آقایی نداد حتی آقای حکیم هم نتوانست آن کار را بکند. شهریه های کلان می داد. پول اجاره و خانه و اینها. و می گفت که من راضی نیستم، فلسفه بخوانید. می گفت این پول ها مال خودم است برای اینکه قرض می کنم مالک می شوم. قرضم را از وجوهات می دهم.

حیف بود واقعاً یک چنین وجودی حدود بیست سال بیست و پنج سال بیشتر ریاستش طول نکشید که رضاخان گفته بود این سید قد کوتاه من را کشته. هر که را می خواهیم خلع لباس کنیم نوشته مجتهد است.

ظاهراً یک کسی را آقای شیخ محمدرضا مسجدشاهی ایشان اجازه اش داد برای آقا شیخ محمدتقی نجفی و ایشان در بازار مزاحم شده بودند گفته بود من اجازه دارم که نشان داده بود بهشان و برده بودند کلانتری. آنوقت رئیس کلانتری دیده بود ایشان محاسن ندارد، گفته بود به حضرت عباس تو مجتهد نیستی اما من این مهر و امضا را چه کار کنم؟ ابوالحسن موسوی را چکار کنم؟ اما به حضرت عباس تو مجتهد نیستی.

ولی میرزا اشکال کرد گفت می خواستی تاریخ بزنی و بعد اعلان کنید که من این اجازه های اجازاتی که نوشتم برای حفظ چیز بود. **نجفی:** لباس.

بهشتی: ولی با آقای بروجردی خیلی فرق داشت. آقا سید

ابوالحسن دنبال فقیر می‌گشت. چه کسی فقیر است و چه کسی ندارد. ولی آقای بروجردی دنبال علم و فضیلت بود. مبنایشان با هم فرق داشت. آقای بروجردی خیلی از فضل و علمیت حساب می‌برد. اینکه مدرسی که از ایشان دیدیم. ولی آقا سید ابوالحسن کی بیچاره است کی درمانده است.

نجفی: می‌خواهند از شما عکس و فیلم بگیرند. به من اجازه می‌دهید من دیگر صحبت‌م را با شما کردم. از خودتان می‌خواهند عکس و فیلم بگیرند.

بهشتی: حالا یک قدری دیگر بشینید طوری نمی‌شود.

نجفی: چشم هرچه شما بگویید. ما ارادت داریم.

بهشتی: شما مایه افتخار ما هستید.

نجفی: خواهش می‌کنم ما به شما ارادت داریم.

بهشتی: من تشکر می‌کنم از اینکه ما در غربت در اصفهان ولكن فامیل شما مثلاً همین آقا شیخ محمدحسن آقاجناب زاده و آقا شیخ محمدحسین نجفی اینها خیلی به ما لطف داشتند. آقا شیخ مهدی مسجدشاهی خیلی به ما لطف داشتند.

نجفی: همه شما را دوست دارند آقا. همه دوستان می‌داشتند و دوستان دارند.

بهشتی: ولكن بحمدالله زیر بار منت هم نرفتیم. اینجا را هم من خودم حالا دیگر مخروبه است و مخروبه هم بود. به پول خودم ده تومن ده تومن نسیه خریدم و پولش را دادم. کسی برای ما خونه نخرید. همین یک اتاق را دارد و بقیه‌اش هم چیزی بیخودی است.

نجفی: من ان شاء الله یک خانه در بهشت برای شما می‌خرم.

بهشتی: حالا من از برزخ می‌ترسم.

نجفی: آنجا را هم نترسید آقای تان امیرالمؤمنین علیه السلام می‌آیند

سراغتان.

بهشتی: خیلی با آقا جواد [خادمی] دایی مان می رفتیم منزل آقای مجدالعلماء^۱ خیلی. ایشان هم خیلی به ما لطف داشت، گاهی وقت ها یک پنجاه تومانی آقای مجدالعلماء می داد با عذرخواهی. ولی آقا شیخ اسماعیل^۲ و آقا شیخ مهدی^۳ بسیار.

نجفی: حاج آقا دعاشان کنید. ما و آقایان را، همه را دعا کنید.

بهشتی: خداوند ان شاء الله که شما را موفق بدارد و ان شاء الله که خوشبخت باشید و به آمال و آرزوهای تان که مطابق شرع مقدس اسلام است برسید. ان شاء الله. و به همه ما حسن عاقبت و توفیق خدمت به اسلام مرحمت بفرماید. ان شاء الله.

۱. منظور مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجدالدین (مجدالعلماء) نجفی است.

۲. منظور مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ اسماعیل نجفی است.

۳. منظور مرحوم آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی است.

فصل ششم: مقالات

(۱)

فوائد، حکایات و نکاتی چند از زبان استاد آیه الله بهشتی رحمته الله علیه

قال رسول الله ﷺ : قال الحواريون لعيسى عليه السلام يا روح الله من نجالس؟ قال: من يذكركم الله رؤيته ويزيد في علمكم منطقته ويرغبكم في الآخرة عمله.^۱

اخلاق

از توصیه‌هایی که مرحوم آیه الله بهشتی بر آن تأکید فراوان داشتند، این بود که: طلاب علوم دینی در کنار فراگیری علم و دانش دین، به مسأله تقوا و اخلاق نیز بسیار اهمیت دهند و همواره علم خود را با تقوا و حلم مقرون سازند تا بهتر از آن بهره ببرند و بتوانند برای جامعه مفید باشند.

چنانچه خود او یکپارچه تقوا و اخلاص بود، سخن، رفتار و عملش برای خدا و در جهت رضای او بود. او هیچ‌گاه به دنبال کسب مقام و ریاست و شهرت و امور دنیوی نبود، و واقعاً زندگی زاهدانه‌ای

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۹، باب مجالسة العلماء، ح ۳.

داشت.

در یکی از جلسات درس از استادشان مرحوم آیه‌الله حکیم یاد کردند و گفتند: استاد ما همیشه در حال ذکر بود و دوست نمی‌داشت کسی به دنبال او راه بیافتد؛ اگر هم کسی به دنبالش راه می‌افتاد، برمی‌گشت و می‌فرمود: با من کاری دارید! بعد که مشکل یا مسأله او را حل می‌کرد، بدون درنگ با او خداحافظی می‌کرد و به راه خود ادامه می‌داد.

تراجم

۱- من شاگردانِ مبرزِ مرحوم میرزای نایینی که معروف به «اصحاب سته» بودند را درک کردم، که عبارتند از آیات عظام:

(۱) حاج آقا جمال‌الدین گلپایگانی

(۲) شیخ محمدعلی کاظمینی خراسانی

(۳) سید محمود شاهرودی

(۴) شیخ موسی خوانساری

(۵) سید محسن حکیم

(۶) سید ابوالقاسم خویی

۲- از مرحوم آخوند شیخ علی همدانی شنیدم که فرمود: شخصی بر من وارد شد که بوی عطر بسیار خوبی از او به مشام می‌رسید. علت را پرسیدم، گفت: من بسیار صلوات بر پیغمبر و آل او می‌فرستم؛ شبی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که خطاب به من وعده دیگری فرمود: کدام یک از شما بر من زیاد صلوات می‌فرستد؟ من پاسخی ندادم تا اینکه خود آن حضرت خطاب به من فرمودند: شما زیاد صلوات بر من می‌فرستی. بعد پیغمبر صلی الله علیه و آله دو لب من را بوسیدند و بعد از آن خواب بود که از من همیشه بوی عطر به مشام می‌رسید.

۳- من عالم و محدّث زاهد مرحوم شیخ عبّاس قمی را در اواخر حیاتش در نجف اشرف دیدم، شخصیت متواضعی که هر وقت از او مسأله شرعی می‌پرسیدند، به دیگران ارجاع می‌داد با اینکه علم به جواب داشت، ولی بسیار احتیاط می‌کرد.

۴- «الکمال کلّ الکمال التفقّه فی الدین»؛ تفقّه در دین یعنی: دانستن علم کلام و فقه و اصول و... . استاد ما آیه‌الله خویی رحمته هر زمان رؤسای مذاهب اربعه به شهر نجف اشرف می‌آمدند، می‌فرمودند: بیایید با هم در مسائل دین مناظره کنیم.

۵- مرحوم آیه‌الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در نماز بر پیکر مرحوم آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی، این عبارت را گفت: أنسی من قبله وأتعب من بعده.

۶- شخصی خدمت مرحوم سید حجة الاسلام شفتی رسید و برای حاجتی (ظاهراً روضه‌خوانی) مبلغی پول درخواست کرد. مرحوم سید هم مبلغ قابل توجهی به او می‌دهند. در آن وقت شخص دیگری که در کنار مرحوم سید نشسته بود، اعتراض کرد: چرا به آن شخص این مبلغ زیاد را کمک کردید، او مرد بسیار ول‌خرجی است. مرحوم سید با شنیدن این سخن بدون درنگ آن شخص را صدا می‌زنند و دوباره مبلغ زیادی به او می‌دهند.

۷- از مرحوم سید بحرالعلوم نقل شده که فرمود: زمانی حال عبادت و نماز شب نداشتم و از این مسأله بسیار ناراحت بودم. شبی در خواب دیدم به من گفته شد: شکت عنک عصفورة؛ بعد که بیدار شدم به یاد آمد زمانی گنجشکی را دیدم که بچه‌ها به او آزار می‌رساندند، ولی من به آنها توجهی نکردم و به راه خود ادامه دادم. پس از این خواب چند روزی ناراحت بودم و به فکر جبران آن بی‌توجهی که نسبت به آن حیوان داشتم. تا اینکه روزی از جایی

عبور می‌کردم دیدم ماری در کمین گنجشکی نشسته، بدون درنگ عصای خود را بلند کردم تا اینکه مار آن حیوان را رها کرد. بعد مرحوم سید دوباره در خواب دید که به او گفته شد: شکر عنك عصفورة؛ و بعد از آن خواب بود که دومرتبه موفق به خواندن نماز شب شدم و حال عبادت پیدا کردم.

تفسیر

مرحوم آیه‌الله بهشتی همیشه قبل از شروع درس، سوره مبارکه والعصر را تلاوت می‌کرد و نکاتی از تفسیر آیات نورانی آن بیان می‌نمود و می‌فرمود: سوره والعصر اگرچه مختصر و دارای چند آیه بیشتر نیست، ولی ضامن سعادت انسان است؛ انسان باید تلاش کند خود را مصداق مستثنی یعنی: ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^۱ قرار دهد، نه جزء مستثنی منه! یعنی ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾^۲. البته باید برای عاقبت بخیری دعا کند و از خداوند تبارک و تعالی بخواهد او را سعادت‌مند از این دنیا به نزد خود ببرد؛ زیرا نفس آدمی دائماً متحول است؛ خصوصاً اهل علم باید بیشتر مراقب باشند.

رجال

در مسأله پوشیدن لباس حریر برای مردان در نماز، روایتی از احمد بن هلال عبرتائی^۳ نقل شده که علما درباره وی اختلاف نظر دارند، مرحوم علامه حلی او را تضعیف کرده و روایتش را قبول

۱. سوره عصر، آیه ۲.

۲. سوره عصر، آیه ۳.

۳. احمد بن هلال اهل روستای بزرگی از منطقه نهروان بود که میان واسط و بغداد قرار دارد. گفته شده: وی از یاران امام هادی یا امام عسکری (علیه السلام) بوده است. به غلو مشهور و مورد لعن و نفرین ابدی است.

نموده است؛ ولی مرحوم آیه‌الله خوئی تضعیف علامه را نپذیرفته‌اند. اما به احمد بن هلال هم نسبت غلو داده‌اند و هم نسبت نصب؛ و از مرحوم آیه‌الله بروجردی شنیدم که ایشان قائل به تفصیل شدند بین روایاتی که از امام هادی علیه السلام روایت کرده و روایاتی که از امام حسن عسکری علیه السلام نقل نموده؛ یعنی روایاتی را که از امام هادی علیه السلام روایت کرده را قبول کرده‌اند؛ چون آن روایات را در حال صحت عقیده نقل نموده، ولی در زمان امام عسکری علیه السلام از حق برگشت و منحرف شد و امام عسکری درباره او فرمود: «از این صوفی ریاکار و بازیگر پروا کنید»^۱. و روایات در لعن و تبری از وی از ناحیه مقدسه نیز وارد شده است. البته اصل این تفصیل از مرحوم شیخ است.

کلام و عقائد

۱- «موت» امر وجودی است به دلیل آیه ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ﴾^۲؛ ولی بعضی آن را عدمی می‌دانند با استناد به کتب لغت. استاد ما مرحوم آیه‌الله خویی می‌فرمود: تقابل موت و حیات، تقابل ضدان است، ولی استاد دیگر ما مرحوم آیه‌الله حکیم بر این عقیده بود که تقابل آنها، تقابل عدم و ملکه است.

۲- در روایات ما چنین آمده: «لا جبر ولا تفویض بل أمر بین الأمرین»؛ مراد از امر بین الأمرین، جمع بین توحید افعالی خداوند و عدالت اوست. یعنی عدالت خداوند متعال اقتضا می‌کند که اگر انسان کار خوبی انجام داد، به او پاداش دهد و اگر ظلمی کرد، او را مجازات کند. سیدنا الاستاد مرحوم آیه‌الله خویی در این بحث مثال می‌زدند به کسی که دستش ریشه دارد، ولی در عین حال می‌تواند

۱. رجال کشی، ص ۵۳۵.

۲. سوره ملک، آیه ۲.

دستش را به اختیار خود حرکت دهد. اما در جواب آیاتی که به ظاهر بر جبر دلالت می‌کند، مثل آیه ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَيْكَ اللَّهُ رَمِي﴾^۱ یا آیه ﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾^۲ می‌گوییم: آیاتی هم در مقابل این آیات در قرآن است که صریح در اختیار است، مثل آیه ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينٌ﴾^۳ یا آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛^۴ پس نباید نسبت به آیات قرآن «نکفر ببعض ونؤمن ببعض» بود. و اما روایاتی که شبهه جبر در آن مطرح است، مثل روایت «السعيد سعيد في بطن أمه والشقي شقي في بطن أمه»، و روایت: «الناس معادن، الخ» که مرحوم آخوند در کفایه آورده، توجیهاتی دارد؛ به عنوان نمونه روایت «السعيد سعيد، الخ» را امام علی (علیه السلام) چنین تفسیر می‌فرمایند که: مراد علم پروردگار است به اینکه چه کسی راه سعادت را می‌پیماید و چه کسی قدم در راه شقاوت می‌گذارد.

اصول

۱- (بحث مقدمه واجب): عده‌ای از اصولیین بحث مقدمه واجب را، بحثی اصولی دانسته‌اند؛ بعضی از آنها آن را در مبحث الفاظ آورده و برخی دیگر در بحث ملازمات عقلیه از آن بحث کرده‌اند. به نظر حقیر این مسأله از قواعد فقهی به‌شمار می‌آید، زیرا ضابطه در مسأله اصولی بودن این است که مسأله جزء اخیر علت تا مه باشد، در حالی که مسأله مقدمه واجب این‌گونه نیست. و آنچه بعضی معاصرین در کتاب اصولی خود به آن قائل شده‌اند که: هر مسأله‌ای

۱. سوره انفال، آیه ۱۷.

۲. سوره انسان، آیه ۳۰؛ سوره تکویر، آیه ۲۹.

۳. سوره مدثر، آیه ۳۸.

۴. سوره انسان، آیه ۳.

که به نحوی ارتباط با اصول فقه داشته باشد و در طریق استنباط حکم شرعی دخلی داشته باشد، از مسائل علم اصول خواهد بود. بسیار بعید است، زیرا بنابراین باید مسائل علم صرف و نحو و مانند آن هم که از مقدمات اجتهاد است، همه از مسائل علم اصول به‌شمار آید. و در این صورت دیگر وجه تمایزی بین این علوم با علم اصول نخواهد بود.

۲- (بحث طلب و اراده): اشاعره بر این عقیده‌اند که: منشأ صفت تکلم برای خداوند تعالی، ذات اوست. یعنی صفت تکلم همانند علم و قدرت از صفات ذات است. اشعری می‌گوید: متکلم بودن غیر از اراده و کراهت می‌باشد و اصرار دارد بگوید: اراده غیر از طلب است. برخلاف معتزله و امامیه که تکلم را از صفات فعل می‌دانند و می‌گویند: غیر از اراده چیز دیگری نیست.

مرحوم آخوند در کفایه با تقریری که در این بحث فرموده، خواسته بین دو طرف (اشاعره و معتزله) مصالحه برقرار کند، به این بیان که: غیر از چهار وجود: عینی، لفظی، ذهنی و کتبی، وجود دیگری است به نام: وجود انشائی، که منظور و مراد کسانی که بین طلب و اراده فرق گذاشته‌اند، همین وجود انشایی است.

سیدنا الاستاد مرحوم آیه‌الله بروجرودی که در درس مرحوم آخوند شرکت می‌کرده و به اصطلاح از مستشکلین مجلس درس ایشان بوده، می‌فرمود: مرحوم آخوند در این بحث حق مطلب را ادا نکرده و آنجا که می‌فرماید: با این تقریر ما، يقع التصالح بین الطرفين (أی بین الأشاعرة والمعتزلة)، در واقع وجه جمعی فرموده که لا یرضی به الطرفين است. حقیر می‌گوییم: حق با معتزله و امامیه است و این بحثی کلامی است، نه لفظی که مرحوم آخوند می‌فرماید: باید به لغت رجوع شود و معنی طلب و اراده را در لغت بررسی کرد! و

مناسبت بحث طلب و اراده با بحث امر از جهت انشاء است؛ قال الله تبارت و تعالی: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۱.

دلیل نخست اشاعره، اوامر امتحانیّه است؛ مثل: امر پروردگار به حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام در مورد ذبح فرزندش اسماعیل، که طلب بود، ولی اراده نکرده بود. جواب از این استدلال این است که اولاً: بحث ما در اراده تشریعیّه است و مثالی مستدلّ مربوط به اراده تکوینیّه. و ثانیاً: در مورد حضرت ابراهیم امر به مقدّمات ذبح بوده است، نه امر به خود ذبح.

دلیل دوم اشاعره این است که: در مورد کسانی که از فرمان الهی سرپیچی می‌کنند، طلب محقق است، ولی اراده نیست. جواب این استدلال هم مثل جواب از استدلال نخست است؛ یعنی: بحث از اراده تشریعیّه است، نه اراده تکوینیّه.

فقه

مسأله: پوشیدن لباس طلا برای مرد حرام است، ولی اگر لباسی تار یا پود آن یا مقداری از آن به عنوان زینت از طلا باشد، محل اشکال و بحث است. بعضی از علما مثل: مرحوم کاشف الغطاء از پوشیدن چنین لباسی منع کرده‌اند و دلیل آورده‌اند که: آنچه متعارف است: لباس ممزوج به طلا است و معمولاً تمام لباس را از طلای خالص درست نمی‌کنند. مرحوم حاج آقا رضا همدانی که در رواق سامرا مدفون است، در جواب مرحوم کاشف الغطاء می‌فرماید: در روایات، متعلّق نهی: لبس طلا است و مورد آن انگشتر و گردن‌بند و مانند آن از طلا است، نه لباس. و در اخبار هم از آن تعبیر به: «لبس» شده، نه «ثوب». البته پوشیدن آن لباس در نماز اشکال

۱. سوره یس، آیه ۸۲.

دارد و اکثر علما فتوا به حرمت صلوٰة با چیزهایی که با طلا زینت شده داده‌اند؛ زیرا در روایت است که: «قال رسول الله ﷺ لأُمیر المؤمنین (علیه السلام) لا تتختم بالذهب فإنّه زینتک فی الآخرة». البته این روایت سنداً و دلالة اشکال دارد؛ اما از نظر دلالت به این بیان که: ممکن است این حکم از احکام مخصوص به خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد.

روزی شخصی به نزد استاد ما مرحوم آیه‌الله حکیم آمد که بعضی از دندان‌های جلو او طلایی بود. مرحوم استاد به او فرمودند: انسان نباید متجاهر به امور خلاف دین باشد، اگر می‌شود دندان را از غیر طلا درست کرد، چرا آن را از طلا درست کنیم؟!

دوشنبه ۱۴ محرم الحرام

۱۴۴۰ هـ. ق

مطابق با ۲ مهر ۱۳۹۷ ش

سیّد محمّد رضا شفتی

(۲)

فقیه بهشتی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

آیه‌الله حاج شیخ مجتبی بهشتی روی اصفهانی استاد حوزه
علمیه اصفهان و عالمی پارسا و فقیهی دانشمند و مدرسی زبردست
و استادی شهیر به فضل و متعبدی محتاط و ساده‌زیست بود. اعلی الله
مقامه.

پدر ایشان آقای شیخ محمدعلی شریف اصفهانی مدفون در نجف اشرف در صحن حضرت امیر (علیه السلام) هستند.

ایشان در وصف سخاوت و مهمان‌نوازی پدر می‌فرمود: پدر ما از خود اصفهان بود و نه از اطراف، اصفهانی‌ها می‌آمدند منزل پدر و می‌دیدیم پدر پذیرایی مفصل تهیه کرده کباب و ماهی و... و حال آنکه دیروز می‌گفت: چیزی نداریم. حال یا قرض می‌کرد و یا به اسباب دیگر تهیه می‌نمود. و می‌گفت: «الضیف ینزل برزقه»^۱ خدا می‌رساند».

مادر ایشان فاطمه بیگم فرزند آقا میر سید علی که او فرزند آقا سید ابوجعفر و سید ابوجعفر فرزند آیه‌الله سید محمد صدرالدین جبل عاملی است.

جناب علامه سید حسن صدر در ابتدای شرح حال آیه‌الله سید صدرالدین نوشته‌اند: «آیه‌الله فی العالمین السید صدرالدین بن صالح بن محمد بن إبراهیم شرف‌الدین بن زین‌الدین بن السید نورالدین الموسوی العاملی»^۲.

و در روضات الجنات آمده: «وكانت أمه بنت الشيخ علي بن محيي الدين بن الشيخ علي بن الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن الشهيد الثاني»^۳.

با توجه به آنچه بیان شد نسب مادری آیه‌الله بهشتی از خاندان صدر است و به همین مناسبت در کتاب مشاهیر خاندان صدر شرح حال مختصری از ایشان آمده است.^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۶۱.

۲. تکملة أمل الآمل، ص ۲۳۵.

۳. روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۲۶.

۴. مشاهیر خاندان صدر، ج ۱۸، ص ۱۳۹ و ۱۴.

آیه‌الله بهشتی در نجف اشرف متولد شد و در آن شهر نشو و نما یافت و از خرمن فضل و دانش دانشوران آن دیار خوشه‌ها برچید و بزرگان عالم تشیع را در آن دیار ملاقات نمود. فرمودند که حین وفات آیه‌الله محقق میرزا محمدحسین نایینی حدود ۱۵ سال داشته‌اند. از ایشان شنیدم که به دست حاج آقا مجلس برادر آیه‌الله حاج آقا سید حسین خادمی معمم شده‌اند، و نیز از مرحوم آیه‌الله شیخ مرتضی طالقانی خاطره‌ها و کراماتی نقل می‌نمودند.

ایشان از درس اساتید نام‌آور نجف از جمله:

آیه‌الله سید ابو القاسم موسوی خویی رحمته

آیه‌الله آقا سید محمود حسینی شاهرودی رحمته

آیه‌الله آقا شیخ حسین حلی رحمته

بهره بردند و در دوره اول درس اصول آیه‌الله خویی شرکت داشتند.

از هم بحث‌های دوران تحصیل خود آقایان آیه‌الله سید علی هاشمی شاهرودی (صاحب دراسات فی علم الأصول) و آیه‌الله شیخ عبدالحسین واعظ خراسانی^۱ را نام بردند.

ایشان مدتی نیز در قم از محضر آیه‌الله بروجردی و آیه‌الله سید محمد حجت و علامه سید محمدحسین طباطبایی و آیه‌الله سید محمد محقق داماد بهره برده بودند.

بیان می‌داشتند که درس فقه آقای آیه‌الله بروجردی را با آقای

۱. اخیراً کتاب *الصلوة* که تقریرات آیه‌الله آقا شیخ عبدالحسین واعظ خراسانی است از درس آیه‌الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی به دستم رسید که با تحقیق آقای شیخ مصطفی هروی توسط مؤسسه آل المرتضی به چاپ رسیده است. این کتاب را حضرت آیه‌الله حاج سید مرتضی مستجاب الدعواتی با لطف ویژه به اینجانب اهداء نمودند.

سید علی بطحایی و درس اصول آقای سید محمد داماد را با شهید دکتر محمد مفتاح بحث می‌کرده‌اند.

آیه‌الله بهشتی بیان می‌داشتند که در ایام تحصیل در قم تقریرات درس آیه‌الله بروجردی را نوشته‌اند و به ایشان ارائه داده‌اند و آیه‌الله بروجردی فرموده‌اند: «خوب نوشته‌اید»، و این تحسین آیه‌الله بروجردی در بین اقران افتخاری ویژه محسوب می‌شده است. همچنین نقل می‌کردند که هنگامی که برای خداحافظی و وداع به محضر آیه‌الله حاج آقا سید حسین بروجردی مشرف شده‌اند، آقای بروجردی به ایشان فرموده‌اند: «من می‌خواستم شما اینجا بمانید». در درس از آیه‌الله حاج آقا حسین بروجردی نقل کردند که ایشان مکرر می‌فرمود: «اگر فقه ما را با فقه عامه مقارن کنند و با هم بنویسند معلوم می‌شود چه قدر بضاعت آنها کم است و بضاعت ما زیاد».

آیه‌الله بهشتی از مرجع عظیم الشأن آیه‌الله آقا سید محمود شاهرودی و آقا سید محمد مهدی سلطان العلماء تصدیق اجتهاد داشتند؛ و از آقای شیخ آقابزرگ طهرانی صاحب کتاب الذریعة و کتاب طبقات اعلام الشیعة اجازه نقل روایت داشتند، و به جمعی نیز اجازه روایت داده‌اند از جمله اینجانب که یک اجازه روایی و یک تصدیق اجتهاد مطلق از ایشان دارم، که تنها اجازه روایت به خواست و فرموده آیه‌الله حاج شیخ هادی نجفی برای چاپ در یادنامه چهلمین روز در گذشت آیه‌الله بهشتی در اختیار ایشان قرار گرفت. و برادرم حاج آقا احمد حلبیان نیز از آیه‌الله بهشتی اجازه روایت حدیث دارند.

در اصفهان در مدرسه صدر افاضه می‌نمودند و به دعوت آیه‌الله خادمی در مسجد حاج رسولیها و مسجد باب الرحمة اقامه جماعت

می‌نمودند.

گاهی به تنهایی و گاهی به همراه برخی دوستان و بزرگان به منزل ایشان می‌رفتیم. یادم هست یک روز با یکی از اساتید قم به منزل ایشان سر زدیم و او از منزل قدیمی و وضع زندگی زاهدانه این عالم جلیل‌القدر متأثر شد.

روزی در مدرسه صدر کتاب *رفع النزاع في الصلح بقصد الفرار عن* / *الدین تألیف آیه‌الله شیخ محمدباقر زندکرمانی* که با تحقیق اینجانب تازه به چاپ رسیده بود را تقدیم ایشان کردم، به‌طور غیرمنتظره‌ای خوشحال شدند به‌طوری که من هم اکنون که آن سرور و فرح ایشان را یادآور می‌شوم خوشحال می‌شوم و خدای را شاکرم. از شاگردان آیه‌الله بهشتی در نجف اشرف آقای آیه‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی^۱ بوده‌اند و آن‌طور که در خاطر دارم از خود آقای بهشتی شنیدم که آقای سید محمود در درس مکاسب ایشان در مسجد طریحی نجف شرکت می‌کرده‌اند.

و از شاگردان ایشان در اصفهان آقای سید محمدحسین مصطفوی و استاد آقای حاج شیخ اصغر صالحی‌تبار و آقای شیخ محمدحسن ایزدپناه و آقای سید احمد مؤمنی و آقای شیخ محمدتقی نجفی فرزند آقا شیخ عنایه‌الله نجفی و آقای شیخ امیرحسین رضایت و دوست گرامی آقای سید محمدرضا شفتی، و سایر شاگردانی که ذکر آنان خود مجال واسع و استقراء گسترده‌ای می‌طلبد.

اینجانب نیز مدتی که در مدرسه صدر به تدریس *فرائد الاصول* شیخ اعظم حاج شیخ مرتضی انصاری مفتخر بودم بعد از تدریس فرصت را مغتنم دانسته از دروس خارج ایشان بهره می‌بردم و

۱. ریاست کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

خداوند توفیق عطا فرموده است و بخشی از دروس ایشان در مباحث الفاظ را در دو مجلد نوشته‌ام که اکنون مخطوط است.

مکرر می‌شد که با خواندن سوره مبارکه عصر و بیان ترجمه و معنای آن به نصیحت می‌پرداختند.

ایشان در بحث‌های خود از تقریرات درس آیه‌الله سید ابوالقاسم خویی و گاهی نیز از مطالب آیه‌الله آقا سید علی بهبهانی استفاده می‌کردند. و نیز در بحث‌ها گاهی یادداشت‌هایی را که به عربی نوشته بودند در درس قرائت می‌کردند که روزی از ایشان پرسیدم: این نوشته‌ها از کیست؟ فرمودند: از خودم است.

ایشان به تاریخ ۱۸ ذی الحجة ۱۴۳۹ ق دار فانی را وداع گفتند و در کنار آیه‌الله سید محمدحسن میرجهانی در رواق مقبره علامه مجلسی اصفهان دفن شدند. رحمه الله و رضوانه علیه.

یکشنبه ۲۰ محرم الحرام

۱۴۴۰ هـ. ق

مطابق با ۸ مهر ۱۳۹۷ ش

دکتر حسین حلبیان

(۳)

مدرس بزرگ

اینجانب محمدحسن ایزدپناه امام جماعت مسجد امام محمدباقر (علیه السلام) در سال ۱۳۵۰ ش که در مدرسه صدر مشغول تحصیل علوم دینی بودم و نزد آیه‌الله حاج آقا مصطفی شریعت درچه‌ای و آیه‌الله حاج سید علاءالدین مدرس افتخار شاگردی داشتم. حدود سه سال بعد با آیه‌الله حاج شیخ مجتبی بهشتی آشنا شدم و ایشان چند سالی بود که از نجف اشرف به اصفهان آمده بودند و در مدرسه صدر

درس کفایه را شروع نمودند که یک دوره کفایتین را به اتمام رساندند که دوره بعد بنده خدمت ایشان در دوره دوم کفایه افتخار شاگردی ایشان را داشتم خدا رحمت کند مرحوم آیه‌الله خادمی را عصرها در منزل خود جلوس داشتند یادم هست که آیه‌الله بهشتی گاهی عصرها آنجا بودند و مطالب علمی و مباحثی را با آیه‌الله خادمی بحث می‌نمودند و حاضر الذهن بودند در درس خود آیه‌الله بهشتی گاهی مطالب تازه‌ای از دوران نجف می‌فرمودند، مثلاً: یکی از آنها این بود که من با پدرم که از علمای نجف بودند و حدود هفده یا هجده سالم بود همراه ایشان که می‌رفتند درس آیه‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی من یادم هست درس آیه‌الله اصفهانی را.

و خلاصه در درس آیه‌الله بهشتی خیلی از دوستان شرکت می‌نمودند از جمله حجج اسلام حاج سید احمد مؤمنی، حاج سید مصطفی مؤمنی، حاج شیخ محمد جابری‌زاده، حاج شیخ مؤمن، حاج آقا عظیمی، مرحوم آقای مرحوم حاج سید حسن احمدی، آقای عطائی، حاج آقا حسین رامشه‌ای.

و بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران شاگردان متعددی داشتند و ایشان در درس خود جدی بودند و همیشه سفارش می‌نمودند که حتماً این درس‌ها را مطالعه کنید و بنویسید چون علم فرار می‌نماید مدتی هفته‌ای دو روز منظومه ملاهادی سبزواری می‌فرمودند و روزهای چهارشنبه روایاتی اخلاقی می‌گفتند و سفارش به اخلاق حسنه و تقوا را زیاد به شاگردانشان توصیه می‌نمودند.

صبح‌ها بنده در دو درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت می‌نمودم بسیار مفید و با ارزش بود.

ایشان بسیار متواضع بود گاهی به منزل آیه‌الله بهشتی می‌رفتم

دوست داشتند خودشان از مهمان پذیرایی نمایند و مطالبی از نجف و علما نقل می نمودند و دوست می داشتند مهمان را تا دم درب منزل همراهی نمایند.

از نجف صحبت می نمودند از جمله سؤال شد چه درسی می رفتید فرمودند: درس آیه الله العظمی شاهرودی و بعداً عضو هیئت استفتاء شدم و جواب مسائل می دادم و کاتب ایشان بودم. و گاهی همراه آیه الله شاهرودی از نجف پیاده به کربلا می رفتیم و در بین راه عرب ها وقتی متوجه می شدند آیه الله شاهرودی به طرف کربلا می روند به استقبال می آمدند و پذیرایی مفصل می نمودند و خوشحالی می کردند.

محمدحسن ایزدپناه

(۴)

حضرت آیه‌الله والد دام‌طه در مقدمه کتاب رساله صلاتیه که از تألیفات مرحوم جدم آیه‌الله العظمی آقای شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی می‌باشد، صفحه ۳۱، چنین مرقوم فرموده‌اند: «آیه‌الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی مدظله العالی که از وابستگان به بیت شریف شیخ هستند، قضیه اشتهاوی را در اصفهان جهت حقیر در تاریخ ۲۳ شعبان ۱۴۲۴ چنین تقریر و مرقوم فرمودند، عین دست‌نوشته معظم له که ممهور به مهر ایشان است جهت ثبت در تاریخ برای خوانندگان محترم درج می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

وله الحمد وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

نظر به امر و فرمانی که از طرف حضرت... صادر شده بود و انتساب خود این حقیر از طرف امهات به این شجره‌ی مبارکه لازم شد واقعه‌ای را که در اوایل ورود به اصفهان مرحوم آیه‌الله العظمی آقای شیخ محمدتقی صاحب کتاب هدایه / المسترشدين را تقریر نمایم:

چنین در نظر دارم که در جوار ایشان مرد تاجر متمکنی بوده روزی ایشان او را محزون و افسرده مشاهده می‌کنند از حال او جويا می‌شوند اظهار می‌کند غلام مملوکی دارم که برای محرمیت او با عیال خود دخترم را به او عقد کرده‌ام فی الحال دخترم در موقع ازدواج است و جوان خوبی خواهان وصلت با ما می‌باشد ولی یگانه گرفتاری و ابتلای ما این است که این غلام مملوک به تعلیم بعضی از مغرضین و دشمنان ما پافشاری بر ابقاء زوجیت خود دارد و به هیچ وجه حاضر نیست دخترم را از قید زوجیت خود رها کند تا دختر را به ازدواج جوانی که کفو ایشان است درآورم و تا به حال

چند جلسه در حضور علما و بزرگان اصفهان ترتیب داده‌ام و وعده پول فراوان به او داده‌ایم که دختر را رها نماید و او به هیچ وجه قبول نمی‌کند و اظهار می‌دارد که ایشان معقوده من می‌باشد و من خواهان او هستم و او را رها نخواهم کرد به هیچ وجه من الوجوه و از این جهت آزرده‌خاطر و مکدر می‌باشم.

حضرت آیه‌الله می‌فرمایند: شما جلسه عقد را مهیا نمایید این جانب قول می‌دهم که این غلام مجبور به رها کردن دختر شود و ایشان را به عقد آن جوانی که کفو ایشان است درآورم. بعد از فراهم شدن جلسه و حضور اعلام شهر ایشان از غلام مزبور استدعا می‌نمایند که این دختر مناسب تو نیست و تو را نمی‌خواهد مبلغ خطیری به تو می‌دهیم او را رها کن، و او قبول نمی‌کند و اصرار بر زوجیت دختر می‌نماید.

ایشان می‌فرمایند: من نخواستم به تو زیان وارد شود حال که اصرار بر طریق عناد و لجاج داری ناچارم کاری کنم دختر از تو رها شود آن وقت می‌فرمایند: به آن تاجر دختر را حاضر کن، و پس از حضور دختر می‌فرمایند: این غلام را هبه کن به دختر خودت، پس از اجرای صیغه هبه و قبول دختر هبه را، در حضور علمای شهر می‌فرمایند: انفسخ النکاح وبطل العقد بحصول الملكية، و در همان مجلس دختر را برای جوانی که به خواستگاری او آمده بوده است عقد می‌نمایند.

حاضرین در این جلسه که اعیان علماء اصفهان بوده‌اند و ظاهراً قبل از این واقعه از حلّ این مشکله اظهار عجز نموده بودند از فراست و حضور ذهن ایشان در فقاقت با حوادث سن و جوانی ایشان تعجب می‌نمایند.

حرره الأقل الشيخ مجتبی بهشتی

۱۴ شعبان ۱۲۲۴
 بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين
 نظر باخرو فرما نیکه از طرف حضرت نجم الاسلام و السلام
 آقای حاج شیخ محمدی نجفی داشت بر کاتبه صدر
 شده بود و انست به خود این حقیر از طرف امهات
 باین نحوه تمهید که لازم شد واقعه ای را که در اوائل
 ورود و نزول امه عظمی آقای شیخ محمدی
 صاحب کتاب هدایه المسترشدين
 را تقریر شایم: چنین در نظر دارم که در حواری
 مرد تاجر ممکن بود روزی ایشان او را خرد
 و افشرده و میبکنند از حال او میبکنند
 اظهار میکنند غلام ملوکی دارم که برای خرید
 او با عیال خود در خرم را با و عقد کرده ام
 فی الحال در خرم موقع ازدواج است و جان

(۵)

خوبی خواهی و صلت با ما می باشد و لی بگفته
گرفتاری و ابتلا ما نیست که این علام مملوک
بیتعلم بعضی از مغربین و دشمنان ما یافت می
برای بقا و زوجیت خود دارد و هیچ وجه حق
نیست دختر را از قدر و قیمت خود رها کند
ما دختر را باز دواج خواستیم که گفتم آن است
در آوردم و تا بحال چند حلقه در حضور
علماء و بزرگان اصفهان ترتیب داده ام و غده
بول خردان با و داده ام که دختر را رها
نماید و او هیچ وجه قبول نمی کند و اظهار می دارد
که این معقوده من می باشد و حق خود را
او هستم و او را رها نخواهم کرد هیچ وجه

حق الوجوه و از این جهت آرزوده خاطر و مکر
 میباید این حضرت آخ الم
 صغیر ما بیند سر حلیه عقد را میباید
 این جانب قول میدهم که این غلام مجبور
 بر آن کردن دختر بود و این سر عقد آن
 جوانیکه گفتوان است در آوردم بعد از
 فراهم شدن حلیه و حضور اعلام آن
 این از غلام فرمود است عا حنا بند
 که این دختر من باید او شست و تو را
 غنوا دهد مبلغ خطیری بشود میدهم
 او را رها کن و او قبول نمیکند و اصرار
 بر زوجیت دختر بنهاد این در صورت

(۴)

من خواستم بنویسم زمان دارد شود حال که امر را بر این
 به طریق عناد و تاج داری تا چارم کاری
 گفتم دختر از تو رفت شود آن وقت میفرماید
 بآن که مرد دختر را حاضر کن و سران هفت
 دختر میفرماید این غلام را هدیه کن
 به دختر خودت پس از اجراء میفرماید
 و قبول دختر هدیه را در حضور علماء و کرام
 میفرماید این انفسخ النکاح و بطل العقد
 بحصول المصلحة و در همان مجلس دختر را
 برای خواستگاری او آمده بوده است
 عقد صیغه نیز حاضرین در آن جلسه اعیان علماء و کرام
 امضا کرده اند و هر اقل از این واقعه از دل این مشکله
 ظاهر می شود از فراست و حضور ذهن این در قضا

فصل هفتم: اجازات آية الله بهشتی



گواهی اشتغال به تحصیل از آية الله شيخ ضياء الدين عراقی و آية الله
سيد عبدالهادی شیرازی قدس سرهما



اجازه امور حسبيه از آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا جمال
 گلپایگانی، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید ابوالقاسم خویی،
 سید عبدالهادی شیرازی و سید محمود شاهرودی قدس سرهم

بسم الله الرحمن الرحيم وثيق
 الحمد لله وكفى، والصلاة والسلام على سيدنا ومولانا محمد
 وعليه وآله وصحبه الأئمة عشر المعصومين أئمة الخلق وأئمة
 من الآن إلى يوم لقاء الله وبعد
 فإن الفاضل البارع الكامل أبا المكارم والفضل المبرور
 وزناشرا لامعاً مولانا الشيخ محيي الدين سبيل العالم المنعم
 الشيخ ميرزا الأصغر آية الله العظمى في الدنيا والآخرة
 وأئمة أهل البيت قد بذلوا في تجميع هذا الكتاب
 وحضر مع هذا العلامة الأعلام خزانة الجنت الأئمة
 منهم وأراد الناس بسيرة المصطفى في عمل أئمة المعصومين
 استخراج هذا الكتاب من أجل ذلك وأدركت الأجانب في خبره
 روايته عن جميع فرائض الأعلام فطابقوا في الفاضل
 طريقتهم في طوره فاجابوا عن سبب الطريقتين
 خاصة في المصنفين المحدثين الذين كتبوا في هذا العلم
 النجعة القائمة المسماة بها (١٣٢٠) وهي مطبوعة في
 وشجرة في موقع التمام كقوله وكتبه عن جميع تلك المطبوعات
 شكر واحب رعايا الأفاضل في هذه البلاد في سائر المطابع
 بالعرفان في الحياة وبعد الممات حرره بأمر الميرزا في مكتبة العامة في
 يوم السبت ليل الأيام الممودة سنة في شهر محرم عام (١٣٨٤)
 القاعة الشهيرة بآبازة طهران عفو عن عيوبه

اجازه روایت از شیخ المحققین آقابزرگ تهرانی

فصل هشتم: برخی از اجازات صادر شده توسط آية الله بهشتی

بسم الله الرحمن الرحيم و به توفیق
الحركة رب العالمين و صلوة و سلام على خاتم الانبياء
محمد و عترته الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين اما بعد
فقد استجاز لي لنقل الرواية عن اهل بيت الطهارة
و العصمة الشيخ الجليل و العالم النزيل محمدرضا
حسين الحسيني الاصبهاني في دامت توفيقاته
فاجزت له ان يروي عنى جميع ما صح لي رواية عنه كتب الاخلاق
المعتبرة لاصحابنا الائمة قدس سرارهم مع رعاية
البرقة في السند و كمال الاحتياط فانتهى طريق الحاجة و اوصيه
و لفتى بملازمة التقوى و ان لا يفتى في من صالح دعوات
و السلام عليه و على جميع اخواننا المؤمنين الشيخ محمدرضا
حرر في شهر ذوال القعدة ١٢٣٢ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم قد اجزت لي لنقل
الشيخ و حيد الشوندي ان يروي عنى
المرتبعة في الكتب المعتبرة للعلماء بالاعلام
و ان لا يفتى في ما لا يوفق لتفويض
و السلام خير تمام حرر لنقل الشيخ جنتي
في ٢٨ / ذيقعدة الحرام ١٢٣٧ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين على مناتر نعمائه ومستفيض آلائه والصلوة والسلام على
رسول الله محمد مصطفى وآله الأجداد الذين روي أحاديث العبد عنه مسلسلًا بالآثار والأخبار
لما بعد فقد استجاني قرة عيني وولي البائس ثقة الشيت الشيخ محمد علي النجفي رحمه الله
في نقل روایات الأئمة الهدى المعصومين لحسن فقهه في ولادته اتصال السند والرجوع
في سلسلة الرواة منهم - عليهم السلام - فاستحضر الله تعالى وأجرت أنه يروي عن
جميع ما وصفت لي بروايته بطرق المتعددة عن مشايخي العظام وعلماء الطائفة
المعجزة - أعلى الله مقامهم - إلى أرباب الكتب العترة عند أصحابنا الهامية من
الكتب الأربعة الأئمة - الكافي والتهذيب والاستبصار - والشأنية - الوافي
والنجار والوسائل والسترة - ولتتبع جامع أحاديث الشيعة الذي ألف تحت
إشراف مرجع الطائفة آية الله الحاج آقا جعفر الطباطبائي السجدي قدس سره - وكما
موسومة أحاديث أهل البيت عليهم السلام - ونشرها كتب الأخبار
والتاريخ وطريق بل طريق مأخوذ من كتابي "طريق الوصول إلى أخبار آل الرسول - عليهم السلام"

(المقدمة - الإشارات)

وفي الختام أوصي بأوصائي به مشايخي العظام من سلوك طريق الاتباع فائدة طريق الحياة و
تقوى الله تعالى في السر والعلن فائدة خير الزاد والسعي في قضاء حوائج الإخوان فائدة من
أفضل الطاعات ، والله لا يتساني منه صاحب دعواته حيا كنت أم ميتا كما لا أتف في
مخالفات الهجاء إن شاء الله تعالى . والله أعلم وأكثر . والسلام على جميع خير أمة أخرجت للناس .

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين على مناتر نعمائه ومستفيض آلائه والصلوة والسلام على
رسول الله محمد مصطفى وآله الأجداد الذين روي أحاديث العبد عنه مسلسلًا بالآثار والأخبار
لما بعد فقد استجاني قرة عيني وولي البائس ثقة الشيت الشيخ محمد علي النجفي رحمه الله
في نقل روایات الأئمة الهدى المعصومين لحسن فقهه في ولادته اتصال السند والرجوع
في سلسلة الرواة منهم - عليهم السلام - فاستحضر الله تعالى وأجرت أنه يروي عن
جميع ما وصفت لي بروايته بطرق المتعددة عن مشايخي العظام وعلماء الطائفة
المعجزة - أعلى الله مقامهم - إلى أرباب الكتب العترة عند أصحابنا الهامية من
الكتب الأربعة الأئمة - الكافي والتهذيب والاستبصار - والشأنية - الوافي
والنجار والوسائل والسترة - ولتتبع جامع أحاديث الشيعة الذي ألف تحت
إشراف مرجع الطائفة آية الله الحاج آقا جعفر الطباطبائي السجدي قدس سره - وكما
موسومة أحاديث أهل البيت عليهم السلام - ونشرها كتب الأخبار
والتاريخ وطريق بل طريق مأخوذ من كتابي "طريق الوصول إلى أخبار آل الرسول - عليهم السلام"

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين على متواتر نعمائه ومستفيض آلائه والصلاة والسلام على
رسول الله محمد المصطفى وآله الأجداد الذين رووا حديث المجد عنه مسلسلًا بالأبواب
والأجداد.

أما بعد فقد استجازني السَّاب (غافل الأستزهد زهدني نجار أمر أبي الإصم) في
نقل روايات الأئمة الهدى المعصومين بحسن ظنه بي ولأجل اتصال السند
والدخول في سلسلة الرواة عنهم عليهم السلام فاستخرت الله تعالى وأجزته أن يروي عني
جميع ما صحت لي روايته بطريقي المتعددة عن مشايخي العظام، وهم أعلام الطائفة
المُحَقِّقَةِ أمل الله مقامهم إلى أرباب الكتب المعتمدة عند أصحابنا الإمامية من الكتب الأربعة
الأولية - الكافي والفقيه والتهذيب والإستبصار - والثانوية - الوافي والبحار والوسائل
والمستدرک - وكتاب جامع أحاديث الشيعة الذي ألف تحت إشراف مرجع الطائفة
آية الله الحاج آقا حسين الطباطبائي البروجردي رحمته الله وكتابه موسوعة أحاديث
أهل البيت عليهم السلام وغيرها من كتب الأخبار.

وإسنادي وطريقي مأخوذ من كتابي: طريق الوصول إلى أخبار
آل الرسول عليهم السلام (المشيخة - الإجازات).

وفي الختام أوصيه بما وصاني به مشايخي العظام من سلوك طريق الاحتياط فإنه
طريق النجاة وتقوى الله تعالى في السر والعلن فإنه خير الزاد والسعي في قضاء حوائج
الإخوان فإنتها من أفضل الطاعات، وأن لا ينساني من صالح دعواته حيًّا كنت أم ميتاً
كما لا أنساه في مظان الإجابة إن شاء الله تعالى.

والحمد لله أولاً وآخراً والسلام عليه وعلى جميع إخواننا المؤمنين. هذه الجارية نأخذها
بسم الله الرحمن الرحيم
اصفهان - هادي النجفي
معتبرة ومقدرة حضرت عليهما السلام
بتاريخ ١٤٣٨ هـ
٢٧ محرم الحرام ١٤٣٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكَوْنُوا بِأَعْيُنِكُمْ وَالصَّلَاةِ وَالْإِيمَانِ
 عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 سَيِّدِ الْقُرُونِ أَمَّا بَعْدُ فَعَدَى الْأَرْفَاقَ وَبَعْدَ قَدَافِزِ جَنَابِ
 الْعَالِمِ الْفَاضِلِ عِمَادِ الْأَعْلَامِ الشَّيْخِ شُكْرًا أَهْلًا بِهَذَا
 الْوَعْدِ وَالْوَعْدُ لَا يَخْلُفُ عَنْهُ إِنَّهُ يَرْوِي عَنْ عَيْنِ مَا صَحَّحَ لِي
 أَدَاتِيهِ مِنْ الْكُتُبِ وَالْعَيْنُ الْمَشْتَمَلَةُ عَلَى الْأَخْبَارِ
 الْمَرْوُومَةِ عَنْ الْأَثَمَةِ الْوَاقِعَةِ مِنْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 وَإِنْ كَانَتْ لِي مِنْ الدُّعَاءِ وَالْإِعْلَامِ خَيْرٌ فَسَيَّامُ
 ٦٠٠ الشَّيْخِ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيِّ
 ١٢٤٢ / ١ / ٢٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَعْدَهُ وَالصَّلَاةِ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّدِ الْقُرُونِ أَمَّا بَعْدُ فَعَدَى الْأَرْفَاقَ
 وَبَعْدَ قَدَافِزِ جَنَابِ الْعَالِمِ الْفَاضِلِ عِمَادِ الْأَعْلَامِ الشَّيْخِ شُكْرًا
 أَهْلًا بِهَذَا الْوَعْدِ وَالْوَعْدُ لَا يَخْلُفُ عَنْهُ إِنَّهُ يَرْوِي عَنْ عَيْنِ مَا صَحَّحَ لِي
 أَدَاتِيهِ مِنْ الْكُتُبِ وَالْعَيْنُ الْمَشْتَمَلَةُ عَلَى الْأَخْبَارِ الْمَرْوُومَةِ
 عَنْ الْأَثَمَةِ الْوَاقِعَةِ مِنْ صَلَواتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَإِنْ كَانَتْ لِي مِنْ
 الدُّعَاءِ وَالْإِعْلَامِ خَيْرٌ فَسَيَّامُ
 ٦٠٠ الشَّيْخِ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيِّ
 ١٢٤٢ / ١ / ٢٠

فصل نهم: برخی از پیام‌های تسلیت

پیام تسلیت شیخ المصباح حضرت آیه الله العظمی صافی کله‌چکانی داماد الله تبارک و تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانا اليه راجعون

رحلت عالم ربانی حضرت آیه الله آقای حاج شیخ محمدی بهشتی رضوان الله تعالی علیه موجب تألم و تأسّف گردید.

آن عالم عظیم الشان عمر با برکت خود را در خدمت به اسلام و مکتب نورانی اهل البیت علیم السلام و خادمی مولای خود حضرت بنیّه الله الاکظم ارواح العالمین له الفداء سپری نمود.

رحلت این روحانی وارسته را به حضرات آیات و علای اعلام و حوزه علمیه و اهالی شریف اصناف و میت کرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

رحمت واسعه الهی را برای آن عالم جلیل القدر از خداوند متعال مسألت دارم.

۱۹ ذی الحجه الحرام ۱۴۳۹

لطف الله صافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ)

حضرت آیات وجمع اسلام آقا یان علمای اعلام اصمغان دلمت بکاتم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خبر ارقال علم جلیل القدر جناب آیه الله آقای حاج شیخ نجفی
جهستی (رضوان الله علیه) موجب تألم و تأسف فراوان گردید.
ایغایب ضایعه فقدان آن بزرگوار را به آقا یان علمای و طلاب
حوزه علمیه اصمغان و به بستگان محترم آن مرحوم و به مردم
مردم شریف استان تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت
اجدیت جلت آلاؤه برای آن فقید سعید علودرجاً و برای
همه بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم.

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

میسرت
۱۹ / ذیح
۱۴۳۹ هـ



پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به مناسبت
رحلت حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی بهشتی (قدس سره)

خبر تأسف بار رحلت آیت الله حاج شیخ مجتبی بهشتی (رحمه الله علیه)
موجب نهایت تأسف گردید. این عالم ربانی به حق یکی از اساتید
برجسته حوزه علمیه اصفهان بود و سالیان دراز به پرورش شاگردان
برجسته پرداخت. خدمات دیگر ایشان در جهات مختلف دینی بر کسی
پوشیده نیست.

اینجانب این ضایعه استغناک را به حوزه علمیه اصفهان و تمام اهالی
محترم و بیت شریف ایشان تسلیت عرض می کنم.
خداوند روح ایشان را غریق رحمت واسعه اش گرداند و به همه
بازماندگان صبر و اجر فراوان عنایت فرماید.

والسلام علیکم و رحمه الله

ناصر مکارم شیرازی



۹۷/۵/۱۰

پیام مربع عالیقدر حضرت آیة الله العظمیٰ مطاهری «مد ظله العالی»

به مناسبت ارتحال فقیه وارسته حضرت آیة الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی «قدس سره»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّا لَهُ زُرْنَا وَلَهُ رَاجِعُونَ»

ارتحال فقیه وارسته حضرت آیة الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی «قدس سره» که از اساتید
با سابقه و میرز حوزه علمیه اصفهان بودند موجب تألم و تأسف گردید.
فنان این عالم جلیل القدر، ضایعه‌ای برای حوزه علمیه مقدسه اصفهان است. ضمن عرض تسلیت
به خاندان گرامی ایشان و فرزندان محترمشان و همه شاگردان و ارادتمندان این عالم بزرگوار، از
خداوند سبحان برای روح مطهر ایشان رحمت و رضوان بی‌پایان الهی و برای بازماندگان صبر و
اجر و سعادت مسألت می‌کنم. والسلام علیه و علیهم و رحمة الله و بركاته.

حسین المظاہری

۱۶ / ذی الحجة الحرام / ۱۳۳۹

۹ / شهر پور / ۱۳۹۷



بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

خبر ارتحال فقیه زاهد، عالم و ارسته حضرت آیه الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی اصفهانی
رحمة الله علیه موجب کمال تأسف گردید. این عالم جلیل القدر در طول حدود یک قرن در
راه تحصیل علم و عمل و تربیت شاگردان فراوان خدمات شایسته ای به مذهب معصوم کرد.

اینجانب این مصیبت را به حضرت بقیة الله الاعظم صلوات الله علیه و ارواحنا له
الفداء و به علماء اعلام و میت مکرم و پیروان مکتب اهل بیت صلوات الله علیه تسلیت
عرض نموده و از خدای مهربان برای بازماندهگان صبر و اجر و برای آن مرحوم طلب علو
درجات و ارم.

والسلام علیکم وعلی عباد الله الصالحین

محمد تقی مجلسی اصفهانی



۹۷/۶/۱۰

پیام تسلیت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ

محمد تقی مجلسی اصفهانی دام ظلّه

بسمه تعالی

شماره: ۱۵۲/۱۵۲۰۰
شماره: ۱۵۲/۱۵۲۰۰
تیرماه: ۱۳۹۷

«سال حمایت از کالای ایرانی»

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا مات العالم الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شيء

ارتحال عالم جلیل القدر، روحانی وارسته استاد عالی مقام فقه و اصول و فلسفه در نجف اشرف، قم و اصفهان حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی بهشتی اصفهانی که بیش از هشتاد سال عمر پر برکت خود را در حوزه های علمی صرف تحصیل، تدریس و تربیت طلاب علوم دینی و در سنگر مسجد مصروف ارشاد و هدایت مردم نمود، موجب تأثر و تألم گردید.

اینجانب فقدان این عالم ربانی را به محضر بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مقام معظم رهبری، حوزه های علمی و عموم مردم استان به ویژه خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده و رضوان و غفران الهی را برای این عالم عامل و صبر و اجر برای بازماندگان از خداوند متان خواستارم.

سید یوسف طباطبائی نژاد
نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان

نشانی: اصفهان - چهارراه شرفشاه - دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان
تلفن: ۳۳۵۵۵۸۸ - ۳۳۵۵۵۷۷
پورتال: ۳۳۵۵۵۶۱
صندوق پستی: ۳۳۴۲۵ - ۳۳۴۲۶



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور

استاندار اصفهان

تاریخ: ۱۳۹۳/۰۶/۱۰
شماره: ۲۰/۱/۴۹۲۵۶

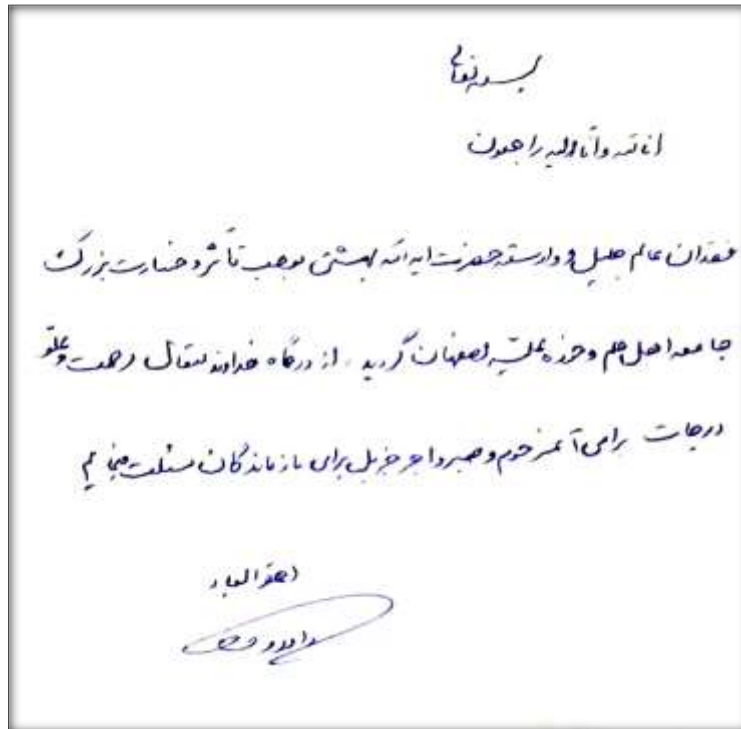
اِذَا خَاتَمَ الْعَالَمُ نُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَدَاهَا شَيْءٌ ۖ

خبر ارتحال فقیه عالم‌قدر، روحانی فاضل، عالم پرهیزکار و شکیبا،
آیت الله حاج شیخ دجیبی بهشتی نجفی از مجتهدان و مدرسان طراز اول
درس خارج فقه و اصول حوزه های علمیه اصفهان، قم و نجف که عمر پربرکت
خویش را در راه خدمت به اسلام، تدریس در حوزه های علمیه و تربیت طلاب و
نشر معارف اهل بیت (عایهم السلام) سپری نمود، موجب تأسف و تألم خاطر
گردد.

اینجانب ارتحال این عالم بزرگوار را به محضر مقام معظم رهبری، مراجع عظام،
علماء مدرسان حوزه های علمیه و ملت شریف انقلابی ایران و بیت شریف ایشان
تسلیم عرض نموده و از خداوند متعال برای آن بزرگوار علو درجات، غفران
الهی و رحمت واسعه و برای بازماندگان آن مرحوم صبر جمیل و اجر جزیل و طول
عمر همراه با سلامتی و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم.

محسن مهرعلیزاده
مستشار

پیام تسلیت استاندار اصفهان



پیام تسلیت حضرت آیۃ اللہ حاج شیخ مسلم داوری دام ظلہ
عضو محترم جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم

بختیانی

تذبح:

دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت ... العظمی

شماره:

حاج شیخ محمد رحمتی

پست:

بسم الله الرحمن الرحيم

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰعِدُوْنَ

حضرت ارجمند عالم جلیل القدر جناب آیت الله آقای حاج شیخ محمد رحمتی
رضوان الله علیه موجب تأسف و تألم حقیر و ارگوت
انعیاب صا بعرفه ان ان مژگوار را به حق حضرت فقیه العظام و مرجع
معتبر آیت و صلح و رسوم آما بان علای اعلام اصفهان دامت بركاتهم و حوره
مقدس علمیه اصفهان و خلاصه کمران و بهر کجائی مکرر آن مرحوم و بهر عدم
مدام بتذلل اسد سلیقه عرض نموده و از درگاه حضرت اقدس الهی خدای
آن فقیه سعید علو درجات و برای همه ما را به کمال صبر جمیل و اجر جلیل شاکت دارم



دفتر قم: خیابان دور شهر، کوچه ۲۶، انتهای ۸ منری هدایت پور، پلاک ۴۵، تلفن: ۵۸۲-۳۷۷۲-۴۵
دفتر تبریز: بلوار دکتر صادقی، چهارراه موحدی، رویروی فاروقخانه آریا، تلفن: ۳۴-۳۷۷۲-۳۴

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

ارتحال فقیه جلیل القدر حضرت آیة الله حاج شیخ محمّدی بهشتی رضوان الله علیه
ضایعه ای بزرگ برای حوزه های علمیه علی الخصوص حوزه های اصفهان است.
این مصیبت اسفناک را به محضر مبارک بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و
خانواده معظم و جمیع بازماندگان ایشان تسلیت عرض کرده و علودرجات آن عالم ربانی را
از درگاه الهی خواستارم.

شاهرود

آقل خدمة العلم مرتضى الأشرفی

پیام تسلیت مرحوم آیة الله حاج شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی قدس سره

پیام تسلیت حضرت آیه الله حسینی زنجانی - دمام خلد - به مناسبت ارتحال حضرت آیه الله بهشتی اصفهانی قدس سره

باسمه تعالی

رحلت قدیه فاضل و عالم عامل مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ نجفی بهشتی اصفهانی طاب ثراه موجب تألم و تأثر گردید.

وجود فائز البرکات آن بزرگوار سالیان متمادی روشنگر طریق حقیقت و آموزنده‌ی طالبان تهذیب و تربیت بود. این جانب ضمن عرض تسلیت و تعزیت به ساحت مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه، یت معظم و عموم ارادتمندان، از نگاه خدای سبحان جلّت قدرته برای آن مرحوم رحمت واسعه و شرباً ابل یت رسالت طمیم الصلوة و السلام و برای بازماندگان صبر و اجر رسالت می‌نمایم. بزرگو گرمه.

زنجان

محمد الحسینی الموسوی الزنجانی

۹ شهریور ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»
«مَوْتُ الْعَالَمِ ثَلَاثَةٌ فِي الْإِسْلَامِ»

خیر رحلت اسلاف آية الله آقای حاج شیخ مجتبی بهشتی (رحمته الله تعالی علیه) موجب تأسف و تأثر فراوان گردید. این عالم بزرگوار که قسط واری از عمر مبارک خود را در راه فراگیری فقه اسلامی و تعلیم به دیگران و تربیت شاگردان در حوزه علمی نجف اشرف و سپس در حوزه علمی اصفهان صرف نمود مورد توجه و احترام مراجع معظم تقلید و جوامع علمی و منشأ آثار تربیتی بود تا به لقاء الله پیوست.

این مصیبت بزرگ را به حضرات آقایان علماء اعلام (دامت برکاته) و حوزه علمی محترم و اهالی شریف اصفهان و بازماندگان مکرم ایشان تسلیت عرض نموده و در جوار مرقده مطهر و منور و ملکوتی حضرت آبی الحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و سلامه علیه) برای آن فقید سعید مزید رحمت و غفران و علو درجه و رفعت مقام و برای بازماندگان محترمشان مزید صبر جمیل و اجر جزیل و جهت حضرات آقایان علماء اعلام و بخدمتگزاران به مکتب مقدس اهل بیت عصمت و طهارت (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) و به حوزه علمی شریفه اصفهان مزید تأییدات را در ظرف توجّهات خاصه و عنايات هالیه حضرت بقية الله (ارواحنا لله) مسألت می نمایم.

مشهد مقدّس - ۲۱ / ذیحجه الحرام / ۱۴۲۹

سید محمدعلی شیرازی





بسمه تعالی
 دایره العلم آیت الله بهبهانی
 تهران ۲۲۲۵۶۲۱ (آخوان) - فاکس: ۲۲۲۱۳۱۸

شماره:
 تاریخ:
 قیمت:

الحمد لله والحمد لله

اذا مات العالم ثم في الاسلام ثمة لا يسرها شيء

همزمان با ایام عید الله الاکبر عید سعید غدیر خم سالروز امامت، ولایت و وصایت مولای المومنین و امام المتین امیرالمومنین حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه، خیر اوتحال عالم رئالی، فقیه صمدانی، بقیه السلفه، مدافع حریم مقدس امامت و ولایت مرحوم مغفور حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی بهشتی اصفهانی رضوان الله تعالی علیه موجب تأسف و تأثر گردید.

آن عالم جلیل القدر که از پرورش یافتگان مکتب علمی فقهای عظیم الشان شیعه خاصه فقیه عالیقدر مرحوم آیت الله العظمی بهبهانی رحمه الله بوده اند، قریب یک قرن از عمر شریف و پر برکت خویش را وقف خدمت به مذهب حق جعفری به تحصیل، تدریس، تربیت شاگردان، امامت جماعت و تهذیب نفوس سپری نمودند.

عاش سعیداً و مات سعیداً

فقدان این روحانی متقی را به محضر مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم روحی وارواح العالمین له الفداء، مراجع عظام تقلید، حوزه علمیه اصفهان، مردم شریف و عظام دوست اصفهان و بیت مکرم ایشان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال علو درجات و رحمت واسعه اش را برای آن فقیه سعید و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم.

حشره الله مع موالیه المعصومین علیهم السلام

والسلام علینا وعلی عباد الله الصالحین

دارالعلم مرحوم آیت الله العظمی حاج میر سید علی بهبهانی رحمه الله (اهواز)

سید نورالدین مجتهد زاده

۱۹ ذی الحجة الحرام ۱۴۳۹



(إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)

إِنَّا مَاتَ الْعَالِمُ ثُمَّ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَحْضِرُونَهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

محضر شریف فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) استاد گرانقدر حضرت آیت الله حاج شیخ هادی نجفی (دامت برکاته)

با اهداء سلام و تحیات

ارتحال ملکوتی فقیه بزرگوار و عالم گرانقدر، بقیه السلف حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی بهشتی نجفی اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف)، استاد گرانقدر حوزه علمیه اصفهان که عمر با برکت خویش را وقف تدریس و ترویج علوم اسلامی و اقامه جماعت و خدمت به مکتب راستین اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نمود، موجب تأثر و تأسف گردید. حقیر نیز مقتدرم که از آن عالم جلیل القدر دارای اجازه نامه روایی و امور حسبه می باشم. این ضایعه مولمه را به محضر مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مراجع عظام تقلید، علمای اعلام اصفهان، بیت شریف ایشان، حوزه های علمیه نجف اشرف و قم و اصفهان، شاگردان و ارادتمندان و دوستان و همشهریان آن عالم ربانی و بالأخص شما استاد بزرگوار تسلیت عرض نموده از درگاه ایزدمنان برای آن فقید سعید علو درجات و حشر با ائمه اطهار (علیهم السلام) و برای حضرتعالی و کلیه بازماندگان صبر و اجر و سلامتی مسئلت می نمایم.

با دعای خیر

شکرت الله جهان

امام جماعت راتب اسماعیل اسماعیل (ع) چهارم و

نماینده مراجع عظام تقلید در امور حسبه در چهارم

۱۴۳۹ ۱۳۹۷

آدرس: چهارم - بنوار آیت الله حق شناس (ره) - بنیاد فرهنگی و خیریه آیت الله حق شناس (ره)

تلفن: ۰۹۱۲۱۹۰۵۱۰۰

کد پستی ۷۴۱۷۹-۹۵۶۹۹



مجلس شورای اسلامی

پیش

شماره
تاریخ
پرواست

مجلس شورای اسلامی ایران

نامه و انانایه راجعون

با کمال تأسف خبر رحلت اسفند خیمه بزرگوار و روحانی عالی مقدار شیخ الاسلامی اصفهان مرحوم مفتون
آیت الله حاج آقا محمدی بهشتی (طاب ثراه) را دریافت کردم.

آن عالم پرستگار از مسافران اصفهان و شخصیت مردم دار و بی آزار و منصف بود که با اهل صلح و اخلاق یکوی
خود چون نامی این چراغ را در مردمان بود. آن پیر زاهد و متقی اهل قدرت طلبی و سوء استخوان از دین بود و با
پرخاشگری و تند خویی، دین و آخرت خود را فدای دنیای دگرمان نمی کرد.

ایجناب، رحلت این خیمه کهنسال را به خاندان معظم بهشتی، ساگردان، علاقه مندان ایشان، حوزه علمیه
و نیز مردم شریف اصفهان تسلیت عرض کرده و از نگاه خداوند متعال برای روح آن خیمه سعید،
مقنن و علو درجات و برای بازماندهان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.

محمدی مهدی
مکرم الله

دبیرکل سازمان عدالت و آزادی ایران اسلامی

و عضو شورای اسلامی شهر اصفهان

۱۰ شهریور ۱۳۹۷

قال تعالى: (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ)

ببالغ الالاسى تلمتنا بآر حیل شیخ علاء اصفهان. حضرت آیہ امہ احلاج الشیخ محبتی
 البشتی قدس سرہ وان قد ہذا العلم شلتہ فی الاسلام لایسد ثشی. ابا اسال امہ ان یتعدہ
 بواسع رحمۃ وان جمع یتہ و بین محمد و اہل یتہ صلوات اللہ علیم اجمعین
 وبہذہ النسبۃ ارفع التعزیرۃ الی ذویہ و علاء اصفهان وانص منهم بالذکر سالتہ حجتہ
 الاسلام والمسلمین آیہ اللہ الشیخ یحییٰ البختی وامست توفیقۃ واسال اللہ ان یمککم الصبر
 والسلوان ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم.

ابوجعفر زامل الشوینجات التلعین البختی

استاذ بزرگوار و شیخنا العزیز
 حضرت آیت اللہ بختی
 سلام علیکم

ارتحال عالم بزرگوار و شیخ بزرگوار شہا، حضرت آیت اللہ بشتی را بہ محضر بہ
 نگاہ کردان و ارادتمندان ایشان، بہ محضر حضرتعالی تسلیت عرض می نمایم.
 طول عمر و توفیقات روز افزون حضرتعالی را از خداوند منان خواستارم.

دامغان. سید سعید شاہ چرانمی دامغانی

نہم شہر یورماہ ۱۳۹۷

فصل دهم: در آینه تصویر



آیه الله شیخ محمدعلی شریف اصفهانی پدر آیه الله بهشتی رحمتهما



در کنار آية الله حاج آقا حسين خادمی پسر

















مجلس ترحیم آیة الله بهشتی